

- یادواره شهدای جهاد کشاورزی قائنات
- چهارمین جلسه هماهنگی مسئولین کانون استانها در تهران
- توضیحات تکمیلی در مورد سربازی فرزندان اینارگران جهاد
- افکار و نظرات شهید بهشتی در قالب مقالات
- تفریح از دیدگاه اسلام
- عادت
- نابسامانی در وضعیت قوانین اینارگران
- دیدار ۲۲



زندگی
 به دست حامی بزرگ جهاد
 به دست اله روز
 به دست یار
 به دست یار

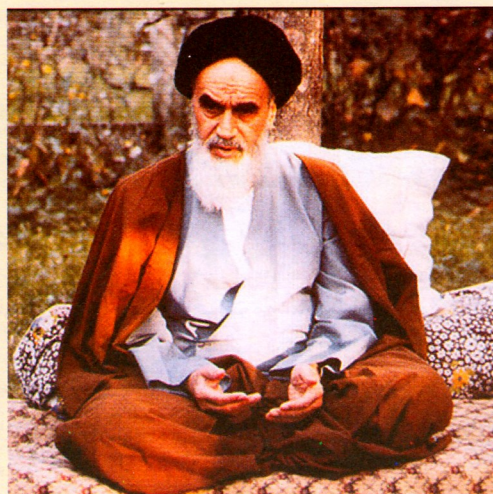
حسین



نمی توان بهشت را از خداوند با خدعه و نیرنگ گرفت و جز از راه اطاعت نمی توان به پاداش الهی رسید

امام حسین علیه السلام

دوستانمان که شهید شدند در جوار رحمت حق هستند، چرا
برای اینها دلتنگ باشیم؟ دلتنگ باشیم که از دیار قید و بندی
خارج شدند و به یک فضای وسیع و در تحت رحمت حق تعالی
واقع شدند؟



شهدا شمع محفل دوستانند، شهدا در قهقهه مستانه شان و در
شادی وصولشان «عند ربهم یرزقون» اند و از نفوس مطمئنه ای
هستند که مورد خطاب «فادخلی فی عبادی و ادخلی جنتی»
پروردگارند.



خبرنامه کانون سنگر سازان بی سنگر

تاریخ انتشار: تیر ماه ۱۳۸۸ - شماره ۳۷

سرمدیر: علی سراج

طراح صفحه: محمدرضاسجادی

ویراستار: رضا باقرزاده مقدم

لیتو گرافی، چاپ و صحافی: دفتر خدمات تکنولوژی آموزشی نشر آموزش کشاورزی

نشانی: بلوار کشاورز، خیابان شهید دائمی، نبش کوچه شهید طباطبایی رفیعی، پلاک ۴۹ کد پستی: ۱۴۱۵۶۴۳۸۶۳

تلفکس: ۸۸۹۶۱۳۷۷ تلفن: ۸۸۹۶۱۳۹۹، ۸۸۹۹۳۹۸۸

پست الکترونیکی کانون: KSB1383@GMAIL.COM & KANOON.S.S.B.S@GMAIL.COM

کانون سنگر سازان بی سنگر
انبارگران پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد

اخبار...

توضیحات اداره کل امور ایثارگران در رابطه با موضوع

معافیت سربازی فرزندان ایثارگران جهاد

در پی اقدامات و پی گیری‌هایی که اداره کل امور ایثارگران در رابطه با موضوع سربازی فرزندان ایثارگران وزارت جهاد کشاورزی در طول سال گذشته و اوایل سال جاری داشته‌اند، الحمدلله این تلاش‌ها منتج به نتایج مثبتی شد که در شماره قبلی خبرنامه‌ی کانون سنگر سازان بی سنگر در ۴ صفحه به محضر خوانندگان محترم ارائه شد. با توجه به اهمیت موضوع و تقاضایی که در پی انتشار این خبر ایجاد شد، از جناب آقای نواب مدیر کل اداره ایثارگران جهاد کشاورزی وقت مصاحبه‌ای در ارتباط با موضوع گرفته شد. ایشان طی مصاحبه‌ای با خبرنگار کانون سنگر سازان بی سنگر با ذکر تاریخچه‌ای از این موضوع گفتند، روند کار فعلی پیگیری معافیت فرزندان ایثارگران به شرح ذیل است:

روال و روند رسیدگی به موضوع معافیت سربازی فرزندان ایثارگران جهادگر که شرایط معافیت را داشتند پیش از این بدین شکل بوده است که برادران جهادی که ۳۰ ماه سابقه جبهه داشتند با گرفتن معرفی‌نامه از وزارت جهاد، به بسیج سپاه پاسداران مراجعه و پس از بررسی سوابق جبهه این بزرگواران توسط بسیج سپاه پاسداران، عزیزان جهادی می‌توانستند معرفی‌نامه‌ای برای حوضه نظام وظیفه بگیرند. با توجه به اینکه جهاد در زمان جنگ رکن سوم جنگ بوده، پی گیری‌ها و جلساتی با مسئولین ستاد کل برای حل این موضوع تشکیل شد و از آنها خواسته شد که این گردش کار اضافی که به وجود آمده را حذف و تمام موضوع مربوط به بچه‌های جهاد را به خود وزارتخانه بسپارند.

الحمدلله از تیر ماه سال جاری روند کار به این شکل شده است که عزیزان جهادگری که شرایط مندرج در نامه ستاد کل را برای معافیت فرزندان خود از سربازی دارند (مندرج در خبرنامه ۳۶)، با در دست داشتن مدارک به معاونت امور اداری وزارت کشاورزی، بخش مشمولین، طبقه دوم ساختمان مرکزی، واقع در تهران، بلوار کشاورز، مراجعه نموده و مدارک خود را به قسمت مشمولین جهت پی گیری امور تحویل می‌دهند. برادران جهادگر ما اگر سابقه جبهه از امور ایثارگران ندارند، قبل از مراجعه به امور مشمولین وزارتخانه باید از امور ایثارگران جهاد شهرستان خود سابقه جبهه را دریافت کنند و ضمیمه مدارک داشته باشند.

در صورتی که سؤال یا ابهامی در موضوع برای افراد باشد با جناب آقای صادقی معاونت محترم تعاون و اشتغال اداره کل امور ایثارگران واقع در تهران، میدان جهاد، ساختمان شهید خیابانیان، تماس گرفته و پاسخ خود را دریافت کنند.

تلفن: ۰۲۱-۸۸۹۰۶۰۲۰

گزارش عملکرد کانون سنگر سازان بی سنگر استان

چهارمحال و بختیاری

در اولین جلسه کانون که در تاریخ ۸۶/۱۱/۲۶ تشکیل شد، هیئت موسس انتخاب شد.

در تاریخ ۸۷/۹/۲ اعضای هیئت موسس طی جلسه‌ای، هیئت مدیره و مدیر عامل را انتخاب کرده و از آن تاریخ به بعد فعالیت‌های کانون رسماً آغاز شد. بیش از ده جلسه با حضور اعضا جهت همکاری و هماهنگی لازم تشکیل شد و پس از مدتی با توجه به مشکلاتی که آقای محمدی رئیس کانون داشتند ایشان اعلام کردند که نمی‌توانند در جلسه‌ها حضور داشته باشند، در جلسه مورخه ۸۸/۲/۲۱ با حضور اعضا، آقای مهندس فیض‌الله کوراوند، از ایثارگران و مسئولین دوران دفاع مقدس، به عنوان رئیس کانون انتخاب شدند. توسط کانون مرکز، حکمی برای نامبرده صادر شد و در جلسه مورخ ۸۸/۳/۱۹ به وسیله ریاست محترم سازمان به ایشان ابلاغ گردید.

از جمله فعالیت‌های کانون چهارمحال و بختیاری می‌توان به عناوین زیر اشاره کرد:

۱- عضوگیری اعضا که در حال حاضر از ۳۵۰ نفر عضوگیری انجام شده است و فرم‌های ثبت نام تکمیل و به تأیید رئیس کانون رسیده است، و کارت شناسایی این اعضا توسط کانون مرکز صادر می‌گردد.

۲- به مناسبت عید نوروز، سرکشی و دیدارهایی از خانواده‌های معظم شهدا صورت گرفته است.

۳- در خصوص زمین و ساختمان کانون با توجه به نامه وزیر محترم و همکاری رئیس سازمان و معاونت توسعه مدیریت منابع انسانی و واحد حقوقی سازمان و پیگیری‌های انجام شده یک باب ساختمان به مساحت ۴۰۰۰ متر و تعدادی اتاق تحویل و در اختیار کانون قرار گرفت. تعمیراتی هم نیاز بوده است که مقداری از آنها توسط کانون انجام شده است.

۴- در تاریخ ۸۸/۴/۳ مراسمی به مناسبت سی‌امین سالگرد تأسیس جهاد سازندگی و هفته جهاد کشاورزی و تجلیل از خانواده‌های معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و ایثارگران تشکیل شد. در این مراسم که با حضور مسئولین همراه بود، لوح تقدیر و هدایایی به خانواده معظم شهدا تقدیم شد.

۵- از مسئولان محترم کانون مرکز تقاضا داریم که ساختمانی که در اختیار کانون استان چهارمحال و بختیاری قرار گرفته است، پیگیری نماید تا نسبت به انتقال سند آن به نام کانون توسط وزیر محترم و هیئت دولت اقدام شود.

۶- با توجه به تعمیرات ساختمان سالن اجتماعات، سرویس

اخبار...

گرانقدر، اقدام به تشکیل گروه فیلم برداری و مستند سازی کرده اند، که فعالیتهایی در زمینه مصاحبه و جمع آوری وصیتنامه و دست نوشته شهدا انجام می دهند. از این فعالان فرهنگ شهیدپروری تقدیر و تشکر به عمل می آوریم.

بازدید از خانواده محترم شهدای شاهرود

کانون سنگر سازان بی سنگر شاهرود با هماهنگی امور ایثارگران استان، برنامه ای جهت بازدید از خانواده های محترم شهدا بنا بر تاریخ شهادت آنها ترتیب داده است. هدف از این بازدیدها آشنایی بیشتر با تفکر و آرمان شهدا و بررسی مشکلات خانواده های این عزیزان است.

کانون سنگر سازان بی سنگر مازندران

جلسه نهم هیئت مدیره کانون سنگر سازان بی سنگر مازندران با حضور حاج محمد صادق باقرزاده - حاج رمضان صیدانلو- مهندس افشاری و حاج محمد ابراهیم کلانه و حاج محمد ابراهیم تقوی تشکیل شد. در این جلسه رئیس کانون گزارشی از روند تجهیز دفتر کانون خدمت هیئت مدیره ارائه داد و همچنین بنا گردید جلسه ای توجیهی با همکاری امور ایثارگران سازمان برای رابطین شهرستانها برگزار شود و در این جلسه گزارشی از شرح وظایف کانون به رابطین محترم شهرستانها توسط رئیس هیات مدیره کانون مازندران جناب آقای تقوی ارائه گردید تا آنها نیز بتوانند در زمینه شناسائی رزمندگان شهرستانها و روستاها و همکاری لازم را بنمایند و همچنین در این جلسه رئیس هیئت مدیره کانون موظف خواهد بود پیرامون اهمیت و اهداف کانون مطالبی را برای رابطان ارائه دهد. برای حاضرین جلسه مذکور هدایایی نیز در نظر گرفته شده است که انشاءالله تهیه و از طرف کانون سنگر سازان مازندران به رابطین محترم ارائه خواهد شد. از مصوبات جلسه ۱۳۸۸/۳/۱۲ کانون مازندران دعوت آقای مهندس تورنگ ریاست محترم جهاد کشاورزی مازندران در جلسه بعدی هیئت مدیره با هدف تشکر از ایشان بابت همکاری های انجام شده با کانون و همینطور مطرح کردن سایر نیازها و مساعدت گرفتن در حل مشکلات کانون مازندران بوده است. کانون مازندران در هفته جهاد کشاورزی در نمایشگاه بزرگ دستاوردهای سی ساله انقلاب در بخش کشاورزی غرفه ای را در اختیار گرفته و در آن غرفه با نمایش فیلم، جلوه هایی از ایثار و شهادت جهادگران را به نمایش گذاشت. همچنین آثاری که در بخش ایثارگران و حفظ آثار دفاع مقدس تولید شده بود به نمایش گذاشته شد. در مجموع غرفه کانون مازندران مورد استقبال مراجعین قرار گرفت.

بهداشتی و تعمیر تعدادی از اتاق ها نیاز به کمک مالی می باشد. از کانون مرکز تقاضا داریم ما را یاری نماید.

۷- پیشنهاد می شود جلسه های کشوری کانون ها در استان ها تشکیل شود تا کانون ها بتوانند از پیشنهادات و راهنمایی های همدیگر استفاده کنند.

اعضای مؤسس کانون سنگر سازان بی سنگر استان چهارمحال و بختیاری:

مرتضی رئیسی، محمود محمدی، محمد مرادی، فیض الله کوراوند، محمد خورشیدی، بهروز مقصودی، سید صامت جزایری، مهرباب مولوی، سید رسول حسینی، حبیب الله عالی انوری

اعضای هیئت مدیره و مدیرعامل کانون سنگر سازان بی سنگر استان چهارمحال و بختیاری:

فیض الله کوراوند؛ مدیرعامل و رئیس کانون، محمد مرادی؛ عضو هیئت مدیره، محمود محمدی؛ عضو هیئت مدیره، محمد خورشیدی؛ عضو هیئت مدیره، بهروز مقصودی؛ عضو هیئت مدیره، صامت جزایری؛ عضو هیئت مدیره، حبیب الله عالی انوری؛ بازرس، مهرباب مولوی؛ بازرس.

بزرگداشت ۳۰ امین سال تأسیس جهاد در شاهرود

کانون سنگر سازان بی سنگر شاهرود از برگزاری همایش بزرگداشت ۳۰ امین سال تأسیس جهاد در محل سالن اجتماعات ساختمان شماره ۲ جهاد کشاورزی شاهرود خبر داد. در این مراسم باشکوه مسئولین ادارات و واحدهای مدیریت جهاد کشاورزی استان و تعدادی از کارکنان بازنشسته جهاد کشاورزی از شهرستان های شاهرود حضور داشتند. مهندس رحیمی معاون استاندار و فرماندار شاهرود نیز از مهمانان این همایش بودند که در حضور ایشان کانون بازنشستگان جهاد کشاورزی به طور رسمی افتتاح شد. در ادامه این مراسم جهت تقدیر و تشکر از زحمات بی دریغ ۱۶ نفر از همکاران جهاد کشاورزی که در سال ۱۳۸۷ بازنشست شده بودند، به رسم یاد بود هدایا و تقدیرنامه ای اهدا شد.

همچنین در پایان این مراسم به تعدادی از خانواده شهدا، جانبازان و جهادگران استان به پاس احترام هدایا و تندیس هایی تقدیم شد.

تشکیل گروه فیلم برداری و مستند سازی در شاهرود
کانون سنگر سازان بی سنگر و امور ایثارگران شهرستان شاهرود به منظور حفظ و احیای یاد و خاطره شهدا، مطالعه شرح حال و آثار آنان، تجلیل از مقام شامخ شهدا و خانواده آن بزرگواران و آشنا نمودن نسل جوان با آرمان های شهدای

اخبار...

کانون سنگر سازان بی سنگر زنجان

جناب آقای مهدیخانی رئیس کانون استان زنجان ، طی حکمی جناب آقای نادر مقدم را به سمت امور اجرایی این کانون منصوب کرد. کانون سنگر سازان بی سنگر مرکز برای این بزرگوار آرزوی سلامتی و موفقیت در پیشبرد اهداف والای کانون را دارد.

کانون سنگر سازان بی سنگر گلستان

پیرو نامه شماره ۳۰/۲۱۶۰۷ مورخ ۸۷/۶/۲۷ مقام محترم وزارت در خصوص حمایت از کانون سنگر سازان بی سنگر و به منظور حمایت از ایثارگران جنگ جهاد جناب آقای رمضانعلی جعفری رئیس سازمان جهاد کشاورزی استان گلستان توافق نامه‌ای را با آقای یحیی صمدی نژاد به امضاء رسانده است که موضوع این توافق نامه واگذاری حق انتفاع از یک باب ساختمان اداری متعلق به سازمان جهاد کشاورزی به کانون سنگر سازان بی سنگر گلستان می باشد. این توافق نامه به مدت ۱۰ سال از تاریخ ۸۷/۱۲/۲۰ معتبر می باشد و در صورت رضایت سازمان قابل تمدید است. در این توافق نامه به نکات زیر اشاره شده است:

- حق واگذاری به غیر وجود ندارد.
- کلیه هزینه های مصرفی مکان به عهده کانون می باشد.
- در زمان بازتحويل مکان، کانون موظف است ساختمان و وسایل موجود در آن را به صورت صحیح و سالم تحويل نماید.
- در صورت بروز هر گونه مشکلی، اداره حقوقی سازمان بعنوان مرضی الطرفین اقدام خواهد نمود.

کانون مرکز از جناب آقای صمدی نژاد و همکاران ایشان در استان گلستان کمال تشکر و قدردانی را دارد.

موضوع، خـبر نامه

مسئول ارسال خبرنامه کانون سنگر سازان بی سنگر از تمامی افرادی که خبر نامه در محل کار ایشان به دست آنها میرسد تقاضا دارد تا آدرس محل سکونت خود را به صورت دقیق همراه با کد پستی به کانون مرکز ارسال کنند تا انشا... خبرنامه های آتی به دست خانواده های محترم ایشان برسد.

همچنین از تمامی دوستانی که مقالات و نظراتی در ارتباط با کانون های استانها، کانون مرکز، و یا مطالب خبرنامه دارند تقاضا می شود تا مکتوبات خود را از طریق ایمیل یا دورنگار به اطلاع مسئولین امر برسانند.

مصوبه هیئت مدیره در مورد تامین هزینه های کانون

سنگر سازان بی سنگر مرکز

آقای اکبر فرید بهرام مشاور مالی کانون بنا به مصوبه هیات مدیره کانون مرکز به مدیر کل دفتر وزارت جهاد کشاورزی معرفی شده و از طرف هیات مدیره به ایشان ماموریت داده شده است تا موضوع کمک وزارت جهاد کشاورزی به کانون را پی گیری و به نتیجه برسانند

اخبار جلسه هیات مدیره کانون مرکز

جلسه هیات مدیره با حضور آقایان حجتی - حسن بیگی - عظیمی - شهری پارسا و شمایل در دفتر جهاد نصر برگزار شد. در این جلسه پس از رایزنی ها بین اعضای هیئت مدیره بندهای زیر به تصویب رسید:

۱- با توجه به مفاد اساسنامه کانون سنگر سازان بی سنگر مقرر شد که خواست برادران شهرستانهای جیرفت و کهنوج در خصوص تشکیل کانون در قالب کانون سنگر سازان بی سنگر استان کرمان انجام شود.

۲- تمدید اعتبار کارت شناسائی اعضا کانون از تاریخ صدور به مدت ۲ سال مورد تصویب قرار گرفت.

۳- پیشنهاد شد که (شورای عالی هیئت امنای کانون) با تعداد حدود ۷۰ نفر از نمایندگان هیئت امنای ۳۴۰ نفره کانون (در صورت تصویب ایشان) تشکیل شود. مقرر شد این موضوع در مجمع کانون سنگر سازان بی سنگر مطرح شود و تصمیم لازم اتخاذ شود.

بزرگداشت ۳۱۰۰ شهید و جلسه سالانه فرماندهان جهاد در مشهد

مراسم بزرگداشت ۳۱۰۰ شهید وزارت جهاد کشاورزی امسال در مشهد برگزار خواهد شد. تاریخ برگزاری ۸ مهرماه خواهد بود. همچنین مراسم گردهمایی فرماندهان پ.م.ج.ج نیز امسال در مشهد پنجشنبه ۹ مهر ماه برگزار خواهد شد.

تعداد مدعوین گردهمایی سالانه فرماندهان ۳۴۰ نفر خواهد بود. در شماره بعدی اطلاعات دقیقتری از چگونگی برگزاری این مراسم، حضور اعضای محترم ارائه خواهد شد.

تشکیل جلسه مسئولین کانون سنگر سازان بی سنگر

استانها

جلسه مسئولین کانون سنگر سازان بی سنگر هر سه ماه یک بار در تهران برگزار می شود. تیر ماه امسال، چهارمین جلسه با حضور ۹۶ درصدی استانهای کشور تشکیل شد. در صفحات بعد به تفصیل این حضور پرشور مسئولین استانها پرداخته شده است.

خاطره‌ای از شهید رضوی



طرف بانه حرکت کردم. یک هفته قبل از شهادت شهید رضوی، با دعوت برادران ستاد حمزه قرار بود از پلی، که ساختش در حال اتمام بود در منطقه بوالحسن (بانه) بازدید به عمل آید. من به اتفاق شهید رضوی و مسئول آب قرارگاه خاتم‌الانبیا، آقای مهندس مدرسی، با یک وانت تویوتا لندکروزر به طرف منطقه حرکت کردیم. پس از رسیدن به مقصد و بازدید از پل، تعدادی از برادران ستاد حمزه که فکر می‌کنم از واحد تبلیغات بودند شروع به عکس گرفتن کردند. آقای رضوی

از این کار خوشش نمی‌آمد و به نحوی خود را از دوربین دور می‌کرد. آنها به اعتراض رضوی توجه نکردند و به شوخی گفتند: «این عکس‌ها برای بعد از شهادت لازم است». یادم است رضوی یک پیراهن چهارخانه سفید به تن داشت که آن عکس‌ها بعداً به صورت پوستر در زمان شهادت ایشان پخش شد. پس از بازدید و افتتاح پل، هنگام برگشتن گفت: «تو رانندگی بلد نیستی. پیاده شو من رانندگی کنم». من پیاده شدم و شهید رضوی رانندگی را برعهده گرفت. من کنار ایشان و آقای مهندس مدرسی سمت راست کنار پنجره سوار شدیم و حرکت کردیم. او در بین راه تعدادی بسیجی را هم سوار کرد و گفت: «اگر می‌خواهید شهید شوید سوار شوید». به منطقه بوالحسن که رسیدیم هواپیمای شروع به بمباران خوشه‌ای در منطقه کردند. در این هنگام یک گلوله کنار ماشین خورد و با پاشیده شدن گل‌ولای روی شیشه و اصابت ترکش به کتف شهید رضوی و افرادی که در پشت سوار شده بودند خودرو با سرعت بالای ۱۰۰ کیلومتر واژگون شد. پس از این حادثه شهید رضوی گفت: دیگر وقت و نوبت من هم رسیده که به آرزویم برسم، که پس از یک هفته در همان منطقه بانه در اثر اصابت گلوله به شهادت می‌رسند.

خاطره‌ای از بیان :

آقای رمضانعلی دهقان نیری

موضوع: خاطره‌ای از شهید رضوی در منطقه بانه، چند روز قبل از شهادت.

تاریخ: ۱۳۸۶/۹/۲۷

بنده از ابتدای سال ۱۳۶۰ با شهید رضوی آشنا شدم و تا زمان شهادتش با ایشان بودم.

آقای شهید رضوی در قرارگاه مهندسی خاتم‌الانبیا مشغول فعالیت بودند. قرار بود عملیاتی در شمال غرب منطقه بانه صورت گیرد. آقای

رضوی با گروهی از اهواز به بانه رفتند و در آنجا ستادی تشکیل دادند. بعد از چند ماهی که در منطقه مستقر بودیم آقای رضوی گفتند: «خانواده من در اهواز هستند و چون قرار است ما مدت زیادی در این منطقه بمانیم، شما خانه‌ای در ارومیه برای من اجاره کن». صبح همان روز شهادت من به طرف ارومیه حرکت کردم و ایشان با تعدادی از برادران سپاه به طرف منطقه جنگی حرکت کردند. من پس از رسیدن به ارومیه با هماهنگی قبلی به استانداری رفتم. در آنجا با آقای سعادت معاون استانداری که بعداً استاندار شد موضوع را مطرح کردم. ایشان خودش با من حرکت کرد. چند ملکی را بازدید کردیم. یکی از آنها مورد قبول واقع شد. مجدداً به استانداری برگشتیم. آقای سعادت ما را به شخصی جهت نقل و انتقال ملک معرفی کرد. در حال نقل و انتقال ملک برای اجاره بودیم که از رادیو اعلام شد، رضوی و تعدادی از همراهانش زخمی و به بیمارستان انتقال داده شده‌اند. آقایانی که داشتند نقل و انتقال را انجام می‌دادند، متوجه پیام رادیو نبودند. من به آنها گفتم: «من از گرفتن خانه منصرف شدم و می‌خواهم به بانه برگردم». آنها گفتند: «تو ما را مسخره کردی. از صبح یک معاون استاندار را با خودت همراه کردی و به حالا می‌گویی من نمی‌خواهم». بلافاصله از محل استانداری خارج و به



یادواره شهدای جهاد کشاورزی قائنات

خداوند به این نظام و دولت داد.

همچنین صیاد دل‌ها، سپهبد شهید امت، صیاد شیرازی در وصف نصر و یاری آنان فرموده است: «پس از خدا به نیرو و ایثار جهادگران متکی بودیم. آنان که با یک طرح عملیاتی، نیاز به ۵ لشکر در فتح‌المبین را با شکافتن یک کوه برطرف کردند و در یک شبانه‌روز ۶۰ هزار تن از سپاهیان اسلام را از اروند عبور دادند و در کردستان در حال عمران و آبادانی دست‌هایشان را با مغز سرشان وضو دادند تا نماز حسینی بخوانند». سلام بر آوینی جهادگر روایت فتح و همه جهادگران شهید و علمداران گرانقدرش؛ سید تقی رضوی، خلیل پرویزی، اسدالله هاشمی، محمد طرحچی و عبدالحسین ناجیان. در ادامه ایشان به جمله زیبای امام(ره) که می‌فرمود: «فرزندان عزیز جهادی‌ام، به تنها چیزی که باید فکر کنید، استواری پایه‌های اسلام ناب محمدی(ص) است» اشاره کرد و گفت: ما همچنان با روحیه‌ای جهادی و انقلابی با تمام توان در صحنه خواهیم ماند. در پایان مراسم آقایان طاهری فرماندار محترم، اکبری معاونت سازمان جهاد سازندگی شهرستان و تنی چند از مسئولان، به خانواده‌های شهیدان جهادگر شهرستان قائنات لوح تقدیر و یادبود اهدا نمودند.

زندگینامه ۷ شهید جهادگر شهرستان قائنات

در زیر به صورت اجمالی به زندگی، توصیه‌ها و وصیت‌نامه‌های این شهدای جهادگر اشاره می‌کنیم:

شهید غلامحسین کافی

وی در سال ۱۳۳۷ دیده به جهان گشود. پس از اتمام تحصیلات متوسطه یاری‌رسان خانواده شد و در امر کشاورزی و کارهای انتفاعی دیگر با پدرش همکاری نمود. یکی از دوستانش روایت می‌کند که یک روز به غلامحسین گفتیم: «برای چه این‌قدر تلاش می‌کنی و زحمت می‌کشی؟» در جواب گفته بود: «برادر مگر تو نشنیده‌ای این روایت را از رسول اکرم(ص) که فرمودند: در امر کارهای دنیا و آبادی و عمران آن، آن‌قدر تلاش کن که گویی همیشه زنده خواهی بود و در امر آخرت چنان باش که فردا نخواهی بود.»

یادواره شهدای جهاد کشاورزی قائنات، با مدیریت جهاد کشاورزی شهرستان قائنات و با همکاری سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران خراسان جنوبی، فرمانداری شهرستان قائنات، سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران شهرستان قائنات، و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ناحیه قائنات، با شکوه خاصی برگزار گردید که در ذیل به اختصار به آن اشاره می‌گردد:

این یادواره پس از تلاوت آیاتی چند از کلام‌الله مجید و اشعاری در مدح و ستایش شهدا آغاز شد. پس از آن حجت‌الاسلام والمسلمین مظاهری؛ مسئول محترم دفتر نمایندگی مقام معظم رهبری در جهاد کشاورزی شهرستان قائنات، در سخنانی با اشاره به رشادت‌ها و کارهای جهادگران، از مسئولان شهرستان خواستند که برای زنده نگاه داشتن نام شهدای جهادگر، میدان‌ها و خیابان‌هایی به نام این عزیزان نامگذاری گردد.

در ادامه همایش، به خصوصیات و فرازهایی از وصیت‌نامه ۷ شهید جهادگر شهرستان قائنات (شهیدان کافی، حافظی، فهمیده، قنبری‌فرد، خزاعی، رضایی و نخعی) پرداخته شد که مختصری از آن در ادامه می‌آید.

یادگار شهید غلامحسین کافی نیز در گوشه دیگری از یادواره با دکلمه‌ای زیبا به تجلیل از شهدای جهادگر و شهیدان هشت سال دفاع مقدس پرداخت.

سپس جناب آقای عرب‌پور ریاست محترم سازمان بنیاد شهید و امور ایثارگران استان خراسان رضوی به ایراد سخنرانی پرداختند که گزیده‌ای از بیانات ایشان را می‌خوانید:

سلام بر آبادگران ایران اسلامی. سلام بر پرچمداران سازندگی. آنان که راه‌ها، قنوات، سدها و سنگرهای خطوط دفاعی همه‌جا قدم‌های پر مهرشان را بر خود شاهد بود. سلام بر سنگرسازان بی‌سنگر جبهه‌های جنوب، بانیان پل صراط جبهه، پل بعثت. سلام بر آنان که امام راحل‌مان در وصفشان می‌فرمود: «زحمات بی‌وقفه جهاد، این سنگرسازان بی‌سنگر، در دفاع مقدس‌مان از جمله مسائلی است که ترسیم آن در قالب الفاظ نمی‌گنجد».

سلام بر راد مردانی که اسوه تقوا و جهاد، مرحوم آیت‌الله مشکینی در ارج و مقامشان می‌فرمود: «جهاد سازندگی نعمتی است که



می دانست. شهید فهمیده خدمت در جهاد را دوست می داشت، به طوری که او را به هر منطقه ای می فرستادند، شبانه روز کار می کرد و مسئولین مربوطه در پایان کار خاطرشان جمع بود و می دانستند که او به خوبی کار را به پایان می رساند. او به امام و روحانیت علاقه زیادی داشت و در عملیات های مختلفی شرکت کرده بود که سرانجام در تاریخ ۶۷/۱۱/۲ در منطقه غرب به درجه شهادت نائل گردید.

شهید علی قنبری فرد

وی در سال ۱۳۴۲ دیده به جهان گشود. او که محرومیت و خفقان جامعه را در زمان طاغوت چشیده بود به عنوان فردی آشنا به دردهای اجتماعی در جوش و خروش انقلاب برای پیروزی آن تلاش می کرد تا انقلاب پیروز شد و او جهاد سازندگی را برای خدمت به محرومان انتخاب کرد. او به امام عشق می ورزید و به محض شروع شدن جنگ تحمیلی عازم جبهه جنگ و دفاع از انقلاب شد، تا اینکه بتواند وظیفه خود را که خدمت به اسلام و انقلاب بود به شکل بهتری انجام دهد، و چه خوب هم از عهده کار برآمد و با شهادت خود در تاریخ ۵۹/۸/۲۸ در سن ۱۷ سالگی به درجه رفیع شهادت نائل گردید. از خصوصیات اخلاقی این شهید می توان گفت که او در خانواده و اجتماع با اخلاق و رفتار شایسته ای ظاهر می شد و هیچ کس از او ناراضی نبود. او عشق به امام و ائمه اطهار را در عمل نشان داد.

شهید محمد حسین خزائی

وی در سال ۱۳۳۶ دیده به جهان گشود. او اخبار جنگ و اعزام نیروهای مردمی را از رادیو و فرمان امام را در خصوص وجوب عزیمت به جبهه می شنید. لذا در معیت دو نفر دیگر از جوانان عازم جبهه های حق علیه باطل شدند و در تاریخ ۶۲/۱۱/۵ در منطقه سوسنگرد به درجه رفیع شهادت نائل گردید. از خصوصیات او می توان به ساده زیستی، بردباری، شکیبایی و قانع بودن اشاره کرد. او می گفت: «حضور ما در جبهه برای سربلندی اسلام و حراست از خون شهیدان و حریم وطن وظیفه ای است که نباید از آن غفلت کنیم».

شهید محمد رضایی

وی در سال ۱۳۴۵ دیده به جهان گشود، او با ۹ نفر دیگر از نوجوانان عهد و پیمان بستند برای یاری رساندن به رزمندگان اسلام به جبهه بروند و از انقلاب اسلامی و ایران دفاع کنند، ولی متأسفانه به دلیل کمی سن از پذیرفتن آن ها و اعزام به مناطق جنگی خودداری شد. ولی برای بازسازی مناطق جنگی موافقت

شهید کافی در جریان جنگ تحمیلی بارها به جبهه رفته بود و در عملیات های مختلف در سالهای ۶۰، ۶۳ و ۶۶ شرکت کرده بود، که در سال ۶۶ به عنوان مسئول تدارکات از طریق جهاد سازندگی در منطقه عملیاتی باختران و سومار به شهادت رسید.

در بخشی از توصیه های شهید آمده است: «به عنوان تذکر و یادآوری عرض می کنم که مطیع فرمان امام باشید. بعد از شهادت من از صحنه خارج نشوید. مدافع ارزش ها باشید و از خون شهیدان حراست کنید که خیر دنیا و آخرت شما در این است».

شهید کافی در وصیت نامه خود فرموده اند: «بر همه ما واجب است همچنان که نماز می خوانیم و ترک آن را گناهی بس بزرگ می دانیم، این دانشگاه جنگ امام زمان را هم همان طور بر خودمان واجب بدانیم و خلأهای خالی را با حضور فعال خود پر کنیم و نگذاریم اجنبی های از خدا بی خبر بر شانه های ما سوار شوند، که این گناهی نابخشودنی در پیش خداست و فردای قیامت باید جوابگو باشیم».

شهید محمدحسین حافظی

وی در سال ۱۳۳۰ دیده به جهان گشود. در دوران کودکی پدرش مرحوم شد و او به علت مشکلات مالی از تحصیل محروم ماند. او بعد از پیروزی انقلاب وارد جهاد سازندگی شد و با شروع جنگ تحمیلی در سه مرحله به جبهه رفت، که در مرحله آخر در اثر بمباران شیمیایی ظهر روز ۶۷/۴/۳۱ در منطقه عملیاتی سومار به درجه شهادت نائل گردید.

هم سنجک و همکار شهید در خاطراتش می گوید: «من و شهید حافظی تا زمان شهادتش، متصدی اطلاعات بودیم. او همیشه عوامل مختلف را تذکر می داد. عضویت در بسیج را پذیرفته و نسبت به انجام برنامه های بسیج فعال و پر کار بود. فردی کم حرف، با روحیه بسیار بالا، وظیفه شناس و اطاعت پذیر بود؛ در کارش دلسوز و اتکایش به خدا و ائمه اطهار بود. او به امام خمینی عشق می ورزید و مطیع فرمان امام بود.

شهید برات فهمیده

وی در سال ۱۳۴۵ دیده به جهان گشود. به علت مشکلات مالی و نبود امکانات از تحصیل محروم شد. پس از پیروزی انقلاب وی نوجوانی ۱۲ ساله بود و پس از تشکیل بسیج مستضعفان، به عنوان یک نیروی بسیجی عضویت آن را پذیرفته و از طریق بسیج قائل به جبهه رفت. از ویژگی های اخلاقی شهید می توان به فعال بودن، خود ساختگی، خوش رفتاری و خلق و خوی خوب او اشاره کرد. وی در تمام فعالیت های اجتماعی و گروهی که به نفع انقلاب بود شرکت می نمود. او جهاد سازندگی و خدمت در جهاد را یک عبادت



کردند. لذا در معیت تنی چند از دوستان از طریق پشتیبانی جنگ جهاد سازندگی عازم منطقه بازسازی جنوب سوسنگرد و دشت آزادگان شدند. پس از مدتی خدمت و بر اثر انفجار گلوله خمپاره، او و چند نفر دیگر به شهادت می‌رسند. از خصوصیات اخلاقی شهید می‌توان به ساده‌زیستی و بی‌آلایشی اشاره کرد. او به اهل بیت و ائمه اطهار عشق می‌ورزید و امام خمینی(ره) را بسیار دوست می‌داشت و غمخوار پدر و مادرش بود.

شهید حسین نخعی

وی در سال ۱۳۴۵ دیده به جهان گشود و به دلیل مشکلات و نداشتن توان مالی درس نخواند. او در زندگی با مشکلات فراوانی روبه‌رو بود و زمانی که در سن ۲۱ سالگی به سر می‌برد در معیت دوستانش عازم جبهه شد. در مرحله آخر که به منظور بازسازی مناطق جنگی به منطقه عملیاتی جنوب سوسنگرد رفت بر اثر انفجار خمپاره به درجه رفیع شهادت نائل گردید.

به روایت خواهر شهید او بسیار رؤف و مهربان بود. در کارهای سنگین و سخت، پیشقدم بود و به امام و روحانیت متعهد علاقه داشت و اطاعت از امام را واجب می‌دانست.

آنچه مسلم است، این گونه یادواره‌ها در ترویج فرهنگ ایثار و شهادت بسیار مؤثر بوده و ارمغان آن تداوم راه شهیدان است. از خداوند منان می‌خواهم که ما نیز ادامه‌دهنده راه این شهیدان بزرگوار باشیم و فرزندان ما به این کبوتران خونین‌بال تاسی جویند.

فعالیت‌های ستاد پشتیبانی مهندسی جنگ جهاد شهرستان قائنات در طول ۸ سال دفاع مقدس

ردیف	عنوان	آمار و ارقام
۱	اعزام نیروی متخصص و خدماتی	۹۵۰ نفر
۲	اعزام نیروی شاغل	۱۲۰ نفر
۳	اعزام نیرو جهت آموزش ماشین‌آلات سنگین	۲۸ نفر
۴	اعزام دستگاه دولتی	۱۹ دستگاه
۵	اعزام کمپرسی مردمی ده تن به بالا	۳۳۰ دستگاه
۶	اهدای ماشین سبک کمک‌دار از محل کمک‌های مردمی	۴ دستگاه
۷	وجه نقد	۶۹,۰۰۰,۰۰۰ ریال
۸	طلاجات	۲۱۷ قطعه
۹	نقره قدیم	۸ کیلوگرم
۱۰	زعفران	۲۲/۵ کیلوگرم
۱۱	گندم	۳۵۵ تن
۱۲	زرشک	۵۴۶۴ کیلوگرم
۱۳	گوسفند	۵۸۶۲ رأس
۱۴	موتور پمپاژ	۴ دستگاه
۱۵	تانکر ثابت و سیار	۲۰ دستگاه
۱۶	تعداد شهدای شاغل و مردمی	۷ نفر
۱۷	تعداد جانباز شاغل و مردمی	۲۹ نفر
۱۸	اقلام جنسی دیگر شامل قند، چای، آلو خشک، پتو، ماست چکیده، نان، گونی سنگری، و غیره، حدود ۳۵۰ تن	

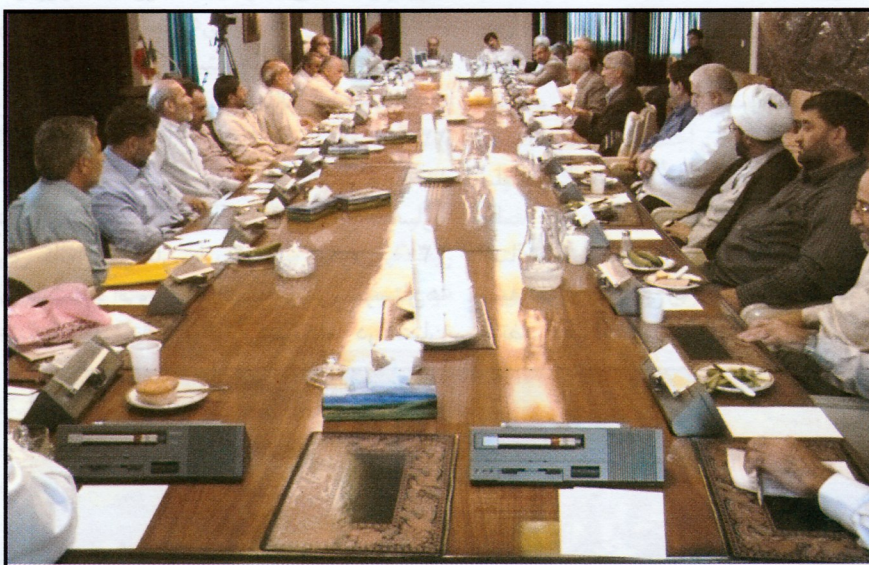
متن پیام ریاست محترم سازمان جهاد کشاورزی خراسان جنوبی به یادواره شهدای مدیریت جهاد کشاورزی قائنات

امروز جمهوری اسلامی ایران مقتدرتر از هر زمان به الگویی تمام‌عیار برای جوانان کشورهای اسلامی در آمده است؛ چرا که آن‌ها تمامی دستاوردهای نظام اسلامی و همچنین موج بیداری جهانی علیه استکبار را متأثر از انقلاب اسلامی و روحیه ایثار و شهادت‌طلبی که در ایران اسلامی حاکم است می‌دانند. آن‌ها اعتراف کرده‌اند، اقتدار روزافزون و پیشرفت‌های علمی جمهوری اسلامی حاصل روحیه ایثار و از خود گذشتگی است و خون شهدا به ثمر نشسته و محصول آن صدور انقلاب اسلامی به اقصی نقاط عالم بوده است. اگر شاهدیم که سفیر اسرائیل از کشوری مانند ونزوئلا در قلب آمریکای جنوبی اخراج می‌شود، نشأت گرفته از اقتدار انقلاب و نظام جمهوری اسلامی ایران است، که دولت و ملت این کشور اعتمادشان به ایران اسلامی بیشتر از آمریکا است.

پیروزی حزب‌الله لبنان در جنگ ۳۳ روزه و به دنبال آن پیروزی حماس در جنگ ۲۲ روزه به دلیل الگوپذیری و اقتدا به شهدا و

گزارش کامل چهارمین جلسه هماهنگی

مسئولین کانون سنگر سازان بی سنگر استانها و شهرستانهای ویژه سراسر کشور



۸- مشکلات تأمین بودجه کانون استانها و لزوم تشکیل کمیته تأمین منابع مالی کانونها

به زودی «مؤسسه فرهنگی سنگرسازان بی سنگر» فعال می شود مدیر کانون مرکز پس از آن برخی کارهای صورت گرفته در کانون را مطرح نمود. وی گفت: ما امسال در دو صفحه میانی ویژه نامه همشهری به نام «راهیان نور» که در ۴۰۰,۰۰۰ نسخه انتشار پیدا کرد، برخی کارهای مهندسی جنگ را برای آشنایی خوانندگان آن مطرح کردیم. البته زحمت این کار را بچه های بسیج وزارتخانه کشیدند. ۱۰,۰۰۰ بروشور با نام «جهاد ما» توسط کانون تهیه و با همکاری اداره کل امور ایثارگران بین قشر دانشجوی راهیان نور توزیع شد. از طرفی در صدد تشکیل مؤسسه فرهنگی کانون به عنوان «مؤسسه فرهنگی هنری سنگرسازان بی سنگر» هستیم، تا فعالیت هایی از قبیل ساخت فیلم، برگزاری نمایشگاه، چاپ کتاب و غیره را انجام دهد. مراحل کسب مجوز صورت گرفته و امکان فعالیت در ۱۴ رشته از طرف وزارت ارشاد مصوب شده است.

ثبت کانون استانها، و کانون مرکز به عنوان سازمان مردم نهاد در وزارت کشور، مهم ترین برنامه های امسال مهندس عظیمی از دیگر فعالیت های کانون، به تهیه ۵۰۰۰ پوستر در قطع ۵۰ × ۷۰ با موضوع مهندسی جنگ برای توزیع در دبیرستانها، تهیه ۱۰۰۰۰ بروشور دورو برای جاده سیدالشهدا و توزیع در میان دانشجویان، در سال جاری تولید ۸ فیلم ۱۵ دقیقه ای در مورد فعالیت های جهاد و پخش آن از شبکه دوم سیما با عنوان «سی سال جهاد» و مورد استقبال قرار گرفتن آن، و همچنین تولید ۳ فیلم حدوداً ۳۰ دقیقه ای برای شبکه چهارم سیما، که دو قسمت آن مربوط به کارهای تحقیقاتی جهاد و یک قسمت آن مربوط به تاریخ تأسیس جهاد می باشد، اشاره نمود. وی اساس کار کانون در ۴ محور دیدار، حفظ یاد، حمایت و ادامه

چهارمین جلسه هماهنگی کانون استانهای سراسر کشور و نخستین جلسه آن در سال جاری که قرار بود در سه ماه سال برگزار گردد، با تأخیر، در تاریخ ۸۸/۴/۲۵ در محل سالن قدس وزارت جهاد کشاورزی برگزار شد. در این جلسه نمایندگان کانونهای ۲۳ استان به گفت و گو و تبادل نظر در مورد عملکرد کانونها، بیان مصائب و مشکلاتشان و ارائه راهکارهایی برای بهبود وضعیت موجود پرداختند.

مهم ترین مسئله برای اعضای کانونها حفظ وحدت است در ابتدای این نشست، مهندس عظیمی؛ مدیرعامل کانون مرکز، پس از عرض خوشامد به حاضرین، علت تأخیر در برگزاری نشست را مسائل مربوط به انتخابات دانست و عنوان کرد: مهم ترین مسئله برای اعضای کانونها حفظ وحدت است.

وی ادامه داد: شاید اختلاف سلیقه سیاسی وجود داشته باشد، اما آنچه مهم است این است که بتوانیم هویت ملی خود را داشته باشیم. نهادهای ملی نباید در رابطه با مسائل موضع داشته باشند، چون این مسئله تفرقه برانگیز است.

مهندس عظیمی در ادامه به اجمال مهم ترین مسائلی که در جلسه آخر هماهنگی کانونها و در جلسات هیئت مدیره کانون مطرح شده بود را به شرح ذیل عنوان کرد:

- ۱- تشکیل جلسات هماهنگی کانونها و اداره ایثارگران استانها
- ۲- تهیه فرم های عضویت به صورت متمرکز در کانونها
- ۳- ثبت یکی از دستاوردهای جنگ به عنوان ثبت ملی
- ۴- نصب تندیس جنگ جهاد در مرکز هر استان
- ۵- طراحی و تعیین ساختار کانونها توسط کانون مرکز
- ۶- نامگذاری اماکن جهاد به نام شهدا
- ۷- فراهم آوردن شرایط برای حضور نماینده ولی فقیه در جلسات کانون و جهاد استانها

بلندمدت (۱۵ساله) و برنامه‌ریزی‌شده در سطح سازمان سخن گفت، که بتواند هفته دفاع مقدس، برگزاری نمایشگاه‌های دائمی و موقت و رسیدگی به خانواده شهدا و... را تحت پوشش قرار دهد. وی از آقای نواب درخواست کرد نسبت به موازی کاری بین برنامه‌های کانون سنگرسازان بی‌سنگر و اداره ایثارگران اقدامات لازم را انجام دهند.

پس از ایشان، رئیس کانون شهرستان شاهرود آقای جابر، از عضوگیری ۲۹۸ نفر، سرکشی از خانواده شهدا، و مصاحبه و ثبت تصویری خانواده شهدا گفت، و عمده مشکل کانون را نبود امکان مالی دانست.

سلطانی‌نژاد هم که به نمایندگی از رئیس هیأت امنای کرمان در این جلسه حضور یافته بود، خواستار تعیین ردیف بودجه‌ای در بودجه استان‌ها، تحت عنوان «امور فرهنگی و حفظ آثار دفاع مقدس» و تهیه تقویم فرهنگی به وسیله کانون شد. مرتضی علی‌آبادی رئیس هیأت امنای کانون دامغان، عمده برنامه

راه را یادآوری کرد و از حاضرین خواست تا خلاصه تاریخ گردان‌ها، هر آنچه را که می‌دانند - حتی اگر شخصی هم باشد - را مکتوب کنند و برای کانون مرکز بفرستند.

مدیر کانون مرکز، در خاتمه صحبت‌هایش، مهم‌ترین برنامه‌های سال جاری را ثبت کانون استان‌ها، و کانون مرکز به عنوان سازمان مردم نهاد (سمن) در وزارت کشور (جدای از ثبتی که در نیروی انتظامی کشور، صورت گرفته) دانست.

در ادامه این جلسه، نمایندگان کانون استان‌های سراسر کشور، به نوبت و تا آنجا که وقت اجازه می‌داد، به بیان مطالبی پرداختند. مهم‌ترین برنامه کاری کانون خراسان، برگزاری کنگره ۲۳۰۰۰ شهید استان خراسان است

آقای صفرنژاد؛ نماینده کانون سنگرسازان بی‌سنگر استان خراسان، مهم‌ترین برنامه کاری کانون خراسان را برگزاری کنگره ۲۳۰۰۰ شهید استان خراسان دانست و افزود: ما توانسته‌ایم در شهرستان‌ها با هماهنگی سپاه کنگره شهرستانی برگزار کنیم، اما در استان



کانون را سعی در گرفتن و تخصیص ۱۰ هکتار از ۱۰۰۰ هکتار پادگان آموزشی - که به دانشگاه رسول اکرم (ص) تبدیل شده است - به کانون دانست.

برای جلوگیری از پراکنده اجرا شدن طرح‌ها باید به فکر ایجاد اتاق فکر بود

در ادامه جلسه، مقدم؛ نماینده کانون استان زنجان، گفت: بیشتر پروژه‌های استان زنجان را جهاد نصر بر عهده دارد. وی در مورد برنامه‌های کانون زنجان می‌گوید: برای ۳۰۵ عضو تشکیل پرونده داده‌ایم، و برگزاری اردو برای فرزندان تحت پوشش اعضای کانون، مصاحبه با فرماندهان ایثارگران برای تدوین تاریخ شفاهی جنگ، طراحی و ساخت تابلوهای تبلیغات، و راه‌اندازی مجموعه فرهنگی را در برنامه داریم.

نماینده آذربایجان شرقی از برگزاری سمینار در دانشگاه تبریز با محوریت مرکز تحقیقات مهندسی و با موضوع پل‌های مهندسی با نگرش بر پل جنید، افتتاح ساختمان کانون و برگزاری یادمان شهدا، در سه‌ماهه اول سال خبر داد.

عبدالله ابراهیمی، از کانون آذربایجان غربی هم نبود ساختمان و محلی برای انجام فعالیت را سبب عملی نشدن برنامه‌های کانون آذربایجان غربی دانست.

خراسان هنوز یک کنگره بزرگ برگزار نشده است.

وی از گرفتن مجوز ۶۶ هکتار زمین در بهترین موقعیت مشهد و اختصاص ۲۲ هکتار آن برای بحث مهندسی جنگ و تشکیل مجموعه «آیه‌ها» خبر داد و در ادامه به برگزاری همایش فرماندهان و ایثارگران جهاد خراسان در تاریخ ۸۸/۳/۲۸، در شهر مشهد و همایش بزرگ فرهنگ جهادی، با حضور نماینده ولی‌فقیه در استان خراسان و حجت‌الاسلام والمسلمین دری نجف‌آبادی در سه‌ماهه اول سال اشاره کرد. وی در پایان از اهمیت خبرنامه‌ها برای برقراری ارتباط با مسئولین استان، دفتر امام‌جمعه محترم مشهد، مدیر کل بنیاد شهید و دفتر نماینده ولی‌فقیه گفت.

پس از آقای صفرنژاد، نماینده هیئت امنای سنگرسازان بی‌سنگر استان خراسان جنوبی به بیان پاره‌ای مطالب پرداختند، که از جمله مهم‌ترین موارد یادشده، می‌توان به یافتن محلی برای کانون، تهیه زندگینامه شهدای استان به صورت کتاب، تعیین هیئت مدیره و امنا، و تخصیص گردان امام موسی‌بی‌جعفر (ع) به خراسان جنوبی، پس از تقسیم استان خراسان، اشاره کرد.

نسبت به درهم‌شدگی برنامه‌های کانون سنگرسازان بی‌سنگر و اداره ایثارگران اقدام شود غلامی؛ رئیس کانون استان مرکزی هم، از لزوم برنامه‌های فرهنگی

معافیت فرزندان ایثارگر را بگیریم که تا کنون برای ۱۵۰ نفر از فرزندان ایثارگر اقدام شده است.

۲- در جلسه‌ای که با حضور سرلشگر حسن سعدی و برخی از فرماندهان سپاه، ارتش، بسیج، جهاد و وزارت دفاع برگزار شد، مقرر گردید به کسانی که از تاریخ ۱۳۵۹/۶/۳۱ الی ۱۳۶۷/۵/۲۷ در منطقه جنگی مسئولیت داشتند، البته از رده فرمانده گردان به بالا و در سه ردیف فرماندهی گردان رزمی، پشتیبانی رزمی و پشتیبانی پشتیبانی رزمی، مدال (نشان) فرماندهی به همراه تقدیرنامه به امضای مقام معظم رهبری و هدیه نقدی اهدا شود. در این باره فرم‌هایی را ستاد کل نیروهای مسلح طراحی کرده و به زودی در روزنامه‌های کثیرالانتشار چاپ می‌شود.

۳- در وزارتخانه کارگروه‌هایی تشکیل شده تا ۸ عملیات را در موزه به نمایش بگذارند. که فعلاً بحث ۴ عملیات جدی است. عملیات‌های بیت المقدس و والفجر ۸ توسط سپاه، و عملیات‌های طریق القدس و

اما حسن پور، از کانون اصفهان معتقد است که، در ظاهر به نظر می‌آید فعالیت‌های اقتصادی در کانون‌های مردم‌نهاد خیلی جایگاهی نداشته باشند، اما حتی کار فرهنگی هم نیاز به منبعی برای تأمین اعتبار دارد.

وی می‌گوید: مهم‌ترین نقشی که کانون‌ها می‌توانند ایفا کنند بحث نظارتی است نه متولی‌گری. مواظب باشیم نقش ما با نقش سازمان‌های دولتی که وظیفه اصلی را دارند قاطی نشود.

برای جلوگیری از پراکنده اجرا شدن طرح‌ها باید به فکر ایجاد اتاق فکر بود

نماینده فارس می‌گفت: خطری متوجه ما شده است. اینکه رئیس سازمانمان عوض شده و شخصی که جای ایشان آمده است، قصد دارد کانون سنگرسازان را با کانون جهادگران یکی کند. من از همگی شما در این مورد کمک می‌خواهم که نگذارید این اتفاق بیفتد.



فتح‌المبین توسط ارتش.

۴- امسال مراسم ۳۱۰۰ شهید به همراه تجلیل از خانواده‌های شهدای خراسان شمالی، رضوی و مرکزی در شهر مقدس مشهد و در سالن صدا و سیما برگزار می‌شود.

وی در پایان صحبت‌هایش به مهندس عظیمی پیشنهاد داد تا کارگروه‌هایی برای حل مشکل جا و مکان در سطح استان‌ها تشکیل گردد و بحث تأمین بودجه استان‌ها نیز جدی‌تر دنبال شود.

در این جلسه همچنین نمایندگان کانون‌های همدان، مازندران، کرمانشاه، چهارمحال و بختیاری و لرستان هم به بیان مطالبی پرداختند. آقای حسن پور هم از طرف مهدی کاظمی نماینده شهرستان نجف‌آباد که نتوانسته بود در جلسه حضور یابد مسائلی را مطرح نمود.

در خاتمه این نشست مهندس عظیمی اظهار امیدواری کرد تا به نام‌های که به مهندس اسکندری، وزیر جهاد کشاورزی، نوشته‌اند، جواب مثبت داده شود تا از این طریق بخشی از هزینه‌های اولیه شروع به کار برخی از کانون‌ها تأمین گردد و همچنین اعضاء از پارک فن آموز سنگر سازان دعوت کرد و ایشان به بازدید از پارک پرداختند.

وی در قسمت‌های دیگری از صحبتش همچنین می‌گفت: همه استان‌ها دارای فکر و اندیشه هستند، اما طرح‌ها به صورت پراکنده اجرا می‌شود. باید اتاق فکری درست شود و در مورد طرح‌هایی که قابلیت تبدیل شدن به پروژه را دارند تصمیم‌گیری شود تا در استان‌های دیگر هم اجرا شوند.

رئیس کانون استان کهگیلویه و بویراحمد، ساخت ماکت عملیات کربلای ۵ در هفته جهاد، و پیگیری و سرکشی به خانواده‌های شهدا را از عمده برنامه‌های این گردان دانست.

رئیس هیئت امنای کاشان، از انجام کارهای حقوقی و گرفتن مصوبه ۱۰ درصد از سهام شرکت سنگرسازان کاشان برای کانون کاشان و تشکیل شاخه جوانان توسط ۷ نفر از فرزندان شهدا و تکمیل شدن پرونده عضویت ۴۵۰ نفر خبر می‌دهد.

وی همچنین درخواست افزایش اعتبار مهلت کارت‌های عضویت اعضا را داشت.

اما آقای نواب در این جلسه عرایض مهمی داشتند که در ذیل اجمالاً به آن‌ها پرداخته شده است:

مراسم گرامیداشت ۳۱۰۰ شهید امسال در خراسان برگزار می‌شود
۱- پس از کش و قوس‌های فراوان سرانجام توانستیم مجوز صدور

جاده سیدالشهداء

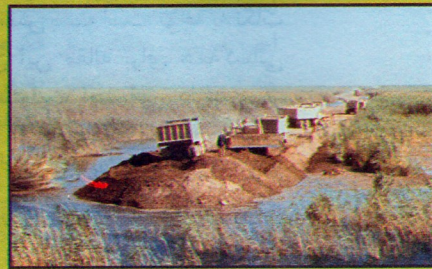
برای اینکه بشود جزایر مجنون را حفظ کرد، فقط یک راه وجود داشت: جاده تدارکاتی. جاده سیدالشهدا به طول ۱۴ کیلومتر در هوری با عمق ۲ تا ۳ متر اجرا شد و مساله تدارکات و پشتیبانی رزمندگان را در جزایر مجنون حل کرد. سرعت کار در دنیا بی نظیر بود. کامیون های مردمی جهاد که موقع خالی کردن خاک نقطه هدف ثابت عراقی ها می شدند، حتی یک لحظه هم در تلاش برای به پایان رساندن کار تردید نکردند.





جهادما

نمایشگاه
جهاد سازندگی در مهندسی جنگ





عادت

مقاله‌ای به قلم شهید بهشتی در خصوص عادت

عادت از مسائل مهمی است که از دیرگاه در علم اخلاق و آموزش و پرورش مورد توجه بسیار بوده است. آنچه در علم اخلاق در تعریف خلق و ملکه و تعیین فضائل و رذائل گفته‌اند به ارزش عادات بستگی کامل دارد. برای آنکه یک نفر خوشبخت و کامیاب زندگی کند، باید عادات خوب داشته باشد؛ چنانکه عادات زشت و بد از موثرترین عوامل تیره‌بختی و ناکامی است.

دوره کودکی و سنین رشد در سرنوشت ما تاثیر عمیق دارد. گاه این تاثیر را بیش از اندازه معلول و وابسته به خواص نژادی یا ارثی می‌دانند، ولی حقیقت این است که این امر اغلب مربوط به عاداتی است که در

آنچه در این مقاله خواهید دید نمونه‌های جالب و پر اهمیتی از اسرار روانی مربوط به عادت است که با عباراتی ساده و روان و شیرین و قابل فهم برای عموم، از خامه توانای این دانشمند بزرگ بر صفحات کتاب نقش بسته است. توجه به نکات

عاداتی اکتسابی است که در شخص پدید آمده و به هیچ‌وجه جنبه ارثی و نژادی ندارد و نباید به حساب طبایع و غرائز و صفات ذاتی گذارده شود و به آنها مشتبّه گردد.

اساسی این مقاله برای همه کسانی که مسئولیت اجتماعی دارند و در تربیت افراد جامعه، بخصوص نسل جوان، موثرند، ضرورت کامل دارد. به طور کلی توجه به مسائل روانی برای پدران و مادران، معلمان و مربیان، نویسندگان و گویندگان، گردانندگان دستگاههای تبلیغاتی، ناشرین مطبوعات، زمامداران و مسئولین امور اجتماعی، واعظان و روحانیون، و هرکس که سهم موثری در تربیت و تعیین سرنوشت دنیوی و اخروی افراد دارد، از اهم واجبات است. مطالعه همین مقاله مختصر درباره عادت کافی است که نشان دهد تماشای نمایشها و فیلمهای بدآموز کنونی، خواندن رمانها و داستانهای مهیج عشقی و جنایی، گوش دادن به ترانه‌های بدآموز و مروج شهوترانی و میخوارگی، پرداختن به غزلیات و اشعار صوفیانه و عرفانی برای آنان که جز ظاهر آنها را درک نمی‌کنند، مشاهده معاشرتهای نامشروع و ناروا و زننده پنهان

این مقاله برای همه کسانی که مسئولیت اجتماعی دارند و در تربیت افراد جامعه، بخصوص نسل جوان موثرند ضرورت کامل دارد

ویلیام جیمز^۱، روانشناس و فیلسوف معروف آمریکایی ۱۹۱۰-

۱۸۴۱ مقاله سودمند و محققانه‌ای درباره عادت دارد. این مقاله که در کتاب معروف او، دوره مختصر روانشناسی، صفحات ۱۵۱-۱۵۰، چاپ و منتشر شده است، اینک برای خوانندگان مکتب تشیع از انگلیسی به فارسی ترجمه می‌شود. البته مطالعات علمی و تجارب شخصی خوانندگان ممکن است موافق یا احيانا مخالف پاره‌ای از مطالب این مقاله باشد، ولی منظور ما فعلاً نقل اصل مطالب است و درصدد انتقاد علمی مقاله و تفصیل بحث درباره موضوع آن نیستیم. آنچه اجمالاً باید بگوئیم این است که در مطالعات علمی پیرامون مسائل دینی، اجتماعی، اخلاقی، و حتی حقوقی و

است که نمی‌گذارد دشوارترین و زنده‌ترین امور زندگی معوق و بلامتصدی بماند و آنها که برای تصدی این گونه امور آورده می‌شوند کار خود را رها کنند و بروند. عادت است که ماهیگیر و عرشه‌بان کشتی را در قلب زمستان در دریا، معدنچی را در تاریکی معدن، کشاورز را در ماههای برف بار در کلبه چوبی و گوشه تنهایی مزرعه نگه می‌دارد. عادت است که ما را از هجوم بیابانگردان و ساکنین مناطق یخبندان مصون می‌دارد. عادت است که ما را محکوم می‌کند تا نبرد زندگی را در همان خطوط که در آن پرورش یافته یا خود در آغاز انتخاب کرده‌ایم ادامه دهیم و کاری را که مطابق میل ما نیست به بهترین وجه دنبال کنیم، چون نه برای کار دیگر آماده شده‌ایم و نه وقت آن مانده که از نو شروع کنیم و خود را برای کار دیگر آماده سازیم. عادت است که طبقات مختلف جامعه را از به هم ریختگی مصون می‌دارد.

در حدود سن بیست و پنج سالگی معین می‌شود هرکس از چه طبقه است و چه کاره خواهد بود. صفات لازم برای حرفه یک بازرگان جوان، یک پزشک جوان، یک رییس اداره جوان، یا یک مشاور حقوقی جوان، در این سن در او استقرار پیدا می‌کند. در این سن در طرز تفکر و بینش اشخاص خطوط و شیارهای ریزی می‌بینید و تمایلات و خواسته‌های خاصی می‌یابید که کم‌کم جزء شخصیت آنها می‌شود و نمی‌توانند آنها را از خود دور کنند. بر روی هم بهتر هم همین است که نتوانند. برای دنیا همین وضع مفید است که شخصیت بیشتر ما در سی سالگی چون سنگ خاره مستحکم می‌شود و دیگر نرم نمی‌گردد. اگر دوره میان بیست و سی، دوره متشکل شدن عادات حرفه‌ای و عقلانی است، دوره پیش از آن در پیدایش و تشکیل عادات شخصی، از قبیل طرز تلفظ کلمات، سبک سخن گفتن، اطوار و حرکات و امثال اینها، اهمیت بیشتری دارد. زبانی را که پس از بیست سالگی می‌آموزید به سختی می‌توانید درست با اکسان خود زبان تلفظ کنید. جوانی که به محیط اجتماعی بالاتر از خود قدم می‌گذارد، به سختی می‌تواند معایب و نواقصی را که معاشرین سنین رشد در او ایجاد کرده و رسوخ داده‌اند از یاد ببرد. حتی هر اندازه هم پول در جیب خود داشته باشد باز بسیار مشکل است که بتواند نظیر یک اشراف‌زاده بداند چه جور لباس بپوشد. سوداگران اجناس خود را با همان اشتیاق که به شیک‌پوش‌ترین افراد عرضه می‌کنند، بر او هم عرضه می‌دارند، ولی او نمی‌تواند از عهده انتخاب چیزهای مناسب برآید. یک قانون نامرئی چون قوه جاذبه، نیرومند و قوی، او را همچنان در مدار اصلی خود نگه می‌دارد. لباس پوشیدن او امسال همان است که پارسال بود، و این نکته که آشنایان شیک‌پوش او چگونه توانسته‌اند لباسهای مناسب برای خود تهیه کنند، تا لحظه مرگ بر او پوشیده خواهد ماند.

بنابراین، بزرگترین اصل تعلیم و تربیت این است که دستگاه عصبی

و آشکار و امثال اینها، چه آثار سوء و زهرآگینی در همه افراد، بخصوص کودکان و جوانان، دارد.

با کمال تأسف باید اعتراف کرد که هر اندازه با پیشرفت علوم از اسرار حیات انسانی بیشتر پرده برداشته می‌شود، علم عملاً نه تنها کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد، بلکه بیشتر مایه سوءاستفاده است؛ و این، کم و بیش، همان وضعی است که در بسیاری از پیشرفتهای علمی و صنعتی دیگر نیز وجود دارد. امروز، سوداگران بی‌بند و بار و سودپرست، کمپانیهای بزرگ تبلیغاتی، مسلکهای منحرف فلسفی و اخلاقی و اجتماعی، و حکومتهای بیدادگر و خودخواه رژیمهای مختلف، از این اطلاعات پیش از خیراندیشان اجتماع بهره می‌گیرند. چرا؟ چه عرض کنیم! فعلاً این شما و این مقاله آقای ویلیام جیمز.

نقل می‌کنند که دوک ولینگتن ۲ روزی از روی تعجب چنین گفت:

«عادت طبیعت ثانوی است!» عادت ده هزار برابر طبیعت است!

شاید هیچ کس به اندازه او، که خود سربازی کهنه‌کار و آزموده است، نداند این سخن چقدر درست است. سالها کار منظم و تمرین و مشق روزانه است که مردی را از نو می‌سازد و اداره او و فرماندهی بر او را ممکن می‌کند.

پرفسور هاگسلی ۳ می‌گوید:

داستانی است که شاید واقعیت نداشته باشد، ولی می‌توان آن را همچون داستانی واقعی پذیرفت. می‌گویند مردی خوشمزه و شیرین‌کار سرباز بازنشسته‌ای را دید که سورات شب خود را روی دست به خانه می‌برد. به محض اینکه چشمش به او افتاد بی‌مقدمه بر او فریاد زد: خبر دار! سرباز فوراً دستهایش را پایین انداخت. به حالت خبردار ایستاد و گوشتها و سیب‌زمینی‌هایش در نهر خیابان ریخت. این مشق نظامی در او به حد کمال رسیده و گویی جزء ساختمان عصبی او شده بود.

در بسیاری از جنگها دیده شده است که اسبهای جنگی بی‌آنکه کسی بر پشت آنها سوار باشد فقط به صدای شیپور به هیجان آمده و مثل زمانی که کسی بر آنها سوار می‌شود دور هم جمع شده‌اند. بیشتر حیوانات اهلی چون ماشینهای ساده‌ای به نظر می‌رسند که دقیقه به دقیقه، بدون شک یا تردید و توقف، وظایفی را که به آنها یاد داده‌اند انجام می‌دهند، بی‌آنکه علامتی از آنها بروز کند که نشان دهد امکان تغییر رویه به مغز آنها راه یافته باشد. اشخاصی که در زندانهای طویل‌المدت به سن پیری رسیده‌اند، پس از خلاصی خود درخواست کرده‌اند که دوباره به زندان برگردند.

نقل می‌کنند در یک تصادف راه‌آهن، قفس پلنگی که برای یکی از سیرکها می‌بردند شکست. پلنگ از قفس بیرون پرید، ولی بلافاصله، بی‌آنکه محافظین او به زحمت بیفتند، به جای خود برگشت. این است که عادت لنگر بزرگ اجتماع و پرارزش‌ترین کارگزار محافظه کار اوست. عادت است که مردم را تحت فرمان نگاه می‌دارد و ابناي ثروت و مکنث را از طغیان رشک بینوایان نجات می‌بخشد. عادت

هر قدر بیشتر بتوانید، امور جزئی زندگی را به دست اتوماتیسم بی درد سر عادت بسپاریم، نیروهای عالی مغز برای فعالیت‌های دیگر فارغ‌تر می‌ماند. هیچ موجود انسانی بیچاره‌تر از آن کس نیست که هیچ چیز برایش عادی نیست و در همه چیز احتیاج به تصمیم داشته باشد. درست نیمی از عمر اینگونه اشخاص صرف تصمیم یا تأسف بر کارهایی می‌شود که باید آنقدر برایشان عادی شده باشد که بی‌توجه و خود بخود انجام دهند.

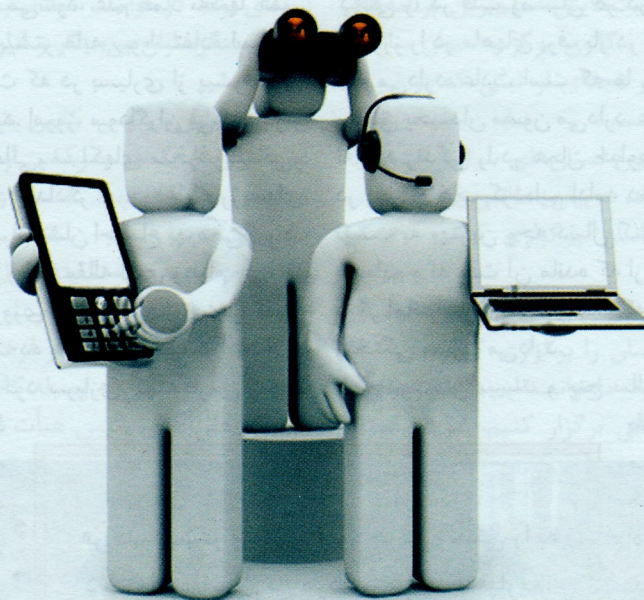
اگر یک بار به طور استثنا به وضع سابق برگشت کنید، مثل این است که بگذارید گلوله نخی که با دقت می‌پیچید یکباره از دستتان بیفتد. همین یک بار افتادن بیش از چندین دور را باز می‌کند و باید دوباره بیچید. مداومت هر کار معین تنها وسیله مهمی است که می‌تواند دستگاه اعصاب را درست و بی‌نقص به کار بیندازد. همان‌طور که پرفسور بین می‌گوید:

خاصیت ویژه عادات اخلاقی، برخلاف اکتسابات عقلی، وجود دو نیروی متقابل و متضاد است که به تدریج یکی رو به‌زوال می‌رود و دیگری جانشین آن می‌گردد. با این وضع،

بالاترین چیز آن است که هیچ‌یک از صحنه‌های جنگ این دو نیروی متقابل را نبازیم. هر بار که جانب باطل غلبه کند، اثر چندین بار غلبه جانب حق را خنثی می‌کند. بنابراین، مقتضای احتیاط لازم آن است که وضع دو نیرو چنان تنظیم شود که غلبه متوالیا با یکی از آنها باشد، تا در اثر تکرار چنان نیرومند و مستحکم شود که دیگر به هیچ‌وجه و در هیچ موقع نشود با آن مقابله و ستیزه کرد. این است بهترین خط مشی اخلاقی که می‌شود فرض کرد.

احتیاج به موفقیت قاطع و اطمینان بخش در آغاز کار امری ضروری است. شکست وهله اول زمینه مساعدی برای تزلزل قدرت همه تلاشهای بعدی است؛ در صورتی که مشاهده گذشته موفقیت‌آمیز موجب تقویت بعدی اعصاب انسان است. گوته به مردی که درباره کار مهمی با او مشورت می‌کرد و به توانایی خود بر انجام آن کار اعتماد داشت می‌گوید: «اوخ! شما فقط بدین محتاجید که روی دستهای خود بزنید!» این جمله تأثیر خط مشی موفقیت‌آمیز گوته را در اعصاب و روحیات خود او روشن می‌کند.

اکنون این سوال پیش می‌آید که مگر نباید در مبارزه با اعتیاد به تریاک و مشروبات الکلی و نظایر اینها به تدریج عمل کرد؟ در این قسمت تجارب تا حدودی مختلف است، ولی می‌توان گفت که اختلاف بیشتر مربوط به اوضاع و احوال شخصی و تعیین بهترین روش مناسب با احوال شخصی است؛ و گرنه در این اصل اساسی همه متفقند که اگر واقعا میسر باشد بهترین طریق همان است که عادت جدید یکباره و سریع تحصیل شود. البته باید دقت کنیم که بر اراده خود وظیفه‌ای چنان سنگین تحمیل نکنیم که یقین داریم از همان قدم اول دچار شکست می‌گردد. در هر حال، بهترین راه برای نیل به مقصود، خواه در ترک عاداتی از قبیل افیون و خواه در کارهای ساده‌ای از قبیل ساعت برخاستن از خواب یا شروع به کار، این است که با در نظر گرفتن قدرت خود در یک دوره کوتاه و سریع به



خود را به جای آنکه دشمن خود کنیم دوست خود سازیم. باید آنچه کسب کرده‌ایم سرمایه قرار دهیم و با سود آن آسوده زندگی کنیم. باید تا حدی که ممکن است، خود را به کارهای سودمند معتاد سازیم و همان‌طور که کاملاً مراقبیم به طاعون مبتلی نشویم، مراقبت کنیم با صفاتی بار نیاییم که شاید روزی سد راه ترقی ما شود و به پیشرفت ما لطمه زند.

هر قدر بیشتر بتوانیم امور جزئی زندگی را به دست اتوماتیسم بی‌درد سر عادت بسپاریم، نیروهای عالی مغز برای فعالیتهای دیگر فارغتر می‌ماند. هیچ موجود انسانی بیچاره‌تر از

آن کس نیست که هیچ چیز برایش عادی نیست؛ در همه چیز احتیاج به تصمیم داشته باشد؛ در روشن کردن هر سیگار، نوشیدن هر فنجان چای، خوابیدن و بیدار شدن هر روز، و شروع ساده‌ترین و جزئی‌ترین کارها به تامل و اندیشه و اتخاذ تصمیم نیازمند باشد. درست نیمی از عمر این‌گونه اشخاص صرف تصمیم یا تاسف بر کارهایی می‌شود که باید آن‌قدر برایشان عادی شده باشد که بی‌توجه و خود بخود انجام دهند. اگر در میان خوانندگان من کسی هست که هنوز این‌گونه وظایف زندگی برایش عادی نشده است، بگذارید هم اینک، قبل از هر چیز، به رفع این نقیصه بپردازد. در فصل «عادت اخلاقی» کتاب پرفسور بین، نظرهای شایان تحسینی وجود دارد که از مجموع آنها دو اصل کلی مهم به دست می‌آید:

۱- در تحصیل عادت جدید یا ترک عادت سابق باید دقت کنیم قدم نخستین را با حداکثر قدرت و تصمیم برداریم. همه مقتضیاتی را که ممکن است در به کار انداختن نیروهای لازم موثر واقع شود جمع‌آوری کنید. با جدیت هر چه تمامتر خود را در شرایطی قرار دهید که وضع جدید را تقویت کند و برای خویش قیودی ایجاد کنید که با وضع سابق ناسازگار باشد. حتی اگر وضع اجازه می‌دهد، یک ضمانت اجتماعی برای خود درست کنید. خلاصه: تصمیم خود را با هر کمک مناسبی که به نظرتان می‌رسد پیش ببرید.

این روش به قدم اول شما چنان نیروی موثر فوری می‌بخشد که نمی‌گذارد خیال به هم زدن تصمیم جدید به آن زودی که در غیر این صورت ممکن بود در شما پیدا شود به مغز شما راه پیدا کند. هر روز که درهم شکستن تصمیم جدید به تأخیر افتد، یک درجه امیدوارتر می‌شوید که هرگز شکسته نخواهد شد.

۲- تا عادت جدید در شما درست ریشه نکرده، هرگز نگذارید استثنا در کار شما پیش بیاید.



خود فشار

بیاوریم و بقیه

وقت خود را آسوده و آزاد

باشیم. شگفت آنکه اگر شوق خود را به کلی

بی‌غذا بگذاریم زود از لاغری می‌میریم.

«پیش از اینکه شخص به نو ساختن خود شروع کند باید بتواند روی یک راه باریک مستقیم، بی‌انحراف و بی‌آنکه به چپ و راست بنگرد، راه برود. آن که هر روز تصمیم تازه‌ای می‌گیرد، مثل کسی است که باید از گودالی ببرد، ولی هر بار که برای پریدن خیز می‌گیرد، به محض رسیدن لب گودال بایستد و برگردد که دوباره خیز بگیرد. تجمع قوای اخلاقی و تمرکز آنها بدون پیشرفت پی‌گیر و مداوم میسر نیست. تنها به برکت قدرت تمرین مداوم است که به تجمع و تمرکز قوا نائل و بدان معتاد می‌شویم.» ۴

به دو اصل نامبرده می‌توان اصل سومی را افزود:

۳- همان فرصت نخستین را بگیرید و روی هر تصمیمی که می‌گیرید و هر شوق درونی که در جهت تامین عادات آرزویی خود می‌یابید به عمل بپردازید. اراده و شوق وقتی به آن حد برسد که خاصیت اتوماتیسم پیدا کند، قدرت آن را دارد که وضع جدید را به مغز منتقل کند، نه در همان لحظه اول که تازه پدید آمده است.

همان‌طور که نویسنده اخیر خاطرنشان می‌کند:

زمینه‌ای مساعد و جدی برای عمل لازم است تا نقطه اتکایی فراهم آید و اهرمی که با آن، قدرت اراده چندین برابر می‌شود بر آن تکیه کند و سر دیگرش بلند شود، و گرنه آن کس که زمینه مساعد جدی برای عمل ندارد تا فشار نقطه اتکای اهرم را تحمل کند، کار او فقط ژست و ادا و اطوار توخالی است.

اگر شخص زمینه جدی برای عمل نداشته باشد، هر قدر ذهنش انباشته از اصول و قواعد اخلاقی و احساساتش خوب و عالی باشد، باز ممکن است به نتیجه نرسد و نفسانیاتش همیشه بلا اثر بماند. ضرب‌المثلی هست که نیت‌های خوب و بی‌عمل سنگفرش جهنم است. این همان نتیجه‌ای است که از قواعد سه گانه مزبور به دست می‌آید. همان‌طور که جان استورات میل می‌گوید: «خلق و خوی اراده‌ای است که درست در نفس مستقر شده باشد.» اراده به این معنایی که او در این عبارت خواسته، هماهنگی فکر برای عمل، در راهی محکم و سریع و مشخص، مافوق همه حوادث و رویدادهای زندگی است.

اندیشه هر کار فقط به نسبت دوام لاینقطع آن، که خود بخود به وقوع کار منجر می‌شود، در ما راسخ و موثر می‌شود و مغز بدان معتاد می‌گردد. اگر شوق یا اراده خوبی را بی‌آنکه به نتیجه عملی برسد از دست بدهیم، بدتر از آن است که شانس خوبی را از دست داده باشیم، زیرا کمترین اثرش این است که تصمیم‌های دیگر را نیز مسلماً از اینکه در راهی نتیجه بخش بیفتد باز می‌دارد.

منش هیچ‌کس پست‌تر از منش شخص احساساتی و خیالی و رویابین نیست، که عمری را در دریای متلاطم احساسات تهییج شده می‌گذراند ولی هرگز کاری مردانه و جدی از او سر نمی‌زند. نمونه بارزی از این افراد روسو است. روسو با کلمات نافذ و بلیغ خود به همه مادران فرانسوی توصیه می‌کند که پیرو طبیعت باشند و خود به پرستاری و تربیت فرزندانشان بپردازند، ولی خود او برخلاف گفته خود، فرزندانش را به شیرخوارگاه می‌فرستد تا از

آنها پرستاری کنند.

هرکس از ما که به کار خوب اخلاقی مطلق اظهار اشتیاق کند ولی در مقام عمل، آنجا که همین کار اخلاقی خوب با لباس بدل لابلای لوازم نامطلوب و بدنمای دیگر سر راه او قرار گرفته، آن را ترک کند، به سهم خود در همان راه روسو قدم گذارده است. در این روزگار همه فضائل لابلای لوازم ناپسند و نامطلوبی نهفته است؛ وای بر آن کس که فضائل را فقط وقتی بشناسد که آنها را در ذهن خود به شکل مطلق و خالص تصور کند. اشخاصی که در خواندن داستان و رفتن به نمایش افراط می‌کنند از همین قبیل‌اند. عادات اینها هیولای عجیبی است. مثلاً یک خانم روسی در تماشاخانه به حال بازیکنان خیالی نمایش اشک می‌ریخت، ولی در همان حال کالسکه‌چی او بیرون از شدت سرما یخ کرده بود و خانم از این بابت هیچ نگرانی نداشت. از این قبیل وقایع همه جا، ولو با زندگی کمتری، اتفاق می‌افتد. حتی اعتیاد به افراط بی‌اندازه در موسیقی، برای کسانی که نه خود نوازنده‌اند و نه از موهبت موسیقی به اندازه کافی برخوردارند تا آن را فقط در راه عقلانی خالص آن به کار برند، شخصیت افراد را متزلزل و آنان را سست عنصر می‌کند، چون غالباً مملو از هیجاناتی می‌شوند که معمولاً بی‌آنکه به مرحله عمل برسد ناپود می‌گردد. چاره‌ای نیست جز اینکه انسان هرگز حاضر نشود در یک کنسرت احساساتی پیدا کند که بعداً منشأ صدور کاری از او شود، اگرچه ناچیزترین کارهای دنیا باشد.

مثلاً اگر شجاعت کارهای بزرگ را ندارد لاقلاً با مادر بزرگش با نرمی و ملاطفت صحبت کند؛ یا در یک وسیله حمل و نقل عمومی صندلی خود را به دیگری واگذارد. در هر حال این احساسات او در عمل ظاهر شود.

حالات اخیر ما را بر این نکته واقف می‌کند که نه تنها خطوط مخصوص، بلکه اشکال عمومی کار نیز به وسیله عادت در مغز منطبق می‌شود. مثلاً اگر اجازه دهیم خواسته‌های ما رو به زوال بروند، رو به زوال خواهند گذاشت. به همین دلیل باید گفت که اگر غالباً از جد و جهد و عمل خودداری کنیم استعداد جد و جهد ما پیش از آنکه خودمان متوجه شویم از بین خواهد رفت. یا اگر بگذاریم دقت و عنایت و توجه ما این‌سو و آن‌سو برود برای همیشه

چنین خواهد ماند. سعی و دقت، چنانکه بعد خواهیم دید، دو نام برای یک واقعیت روانی است، ولی ما به درستی نمی‌دانیم که این دو به کدام یک از جریانهای مغز ارتباط دارند. عمده‌ترین دلیل بر اینکه اجمالا به جریانهای مغز مربوطند و یکسره کار روح نیستند این است که دریافته‌ایم تا حدودی از موارد قانون عادت‌اند که یک قانون مادی است.

آخرین اصل عملی مربوط به عادات اراده که ما می‌توانیم طرح کنیم این است که با مختصر تمرین روزانه، استعداد جد و جهد را در خود زنده نگه دارید، اگر چه در کارهای بیفایده و غیرضروری باشد. مثلاً یک یا چند کار ناچیز و غیرضروری را برای ریاضت و ورزش تصمیم و شجاعت در خود به‌طور منظم انجام دهید. هر روز یا یک روز در میان کاری انجام دهید، فقط به این منظور که کار مرتبی انجام داده باشید که هرگز از شما ترک نمی‌شود، به طوری که چون ساعت آن کار فرا رسد، هیچ‌گاه شما را آرام و بی‌حرکت برای قیام به آن نیابند.

این نوع ریاضت و تمرین نظیر حق بیمه‌ای است که شخص برای خانه و اثاث خود می‌پردازد. موقع پرداخت فایده‌ای به حال او ندارد، شاید هم این پول هرگز به جیب او برنگردد، ولی اگر آتش‌سوزی به سراغ او بیاید تنها آنچه تاکنون پرداخته است او را از خانه خرابی نجات خواهد داد. عیناً همین است

وضع کسی که با انجام کارهای بیفایده و غیرضروری خود را به تمرکز توجه و دقت، قوت اراده و خویشتن‌داری معتاد می‌کند. چنین کس در آن موقع که هر چه پیرامون اوست دچار تزلزل و بی‌ثباتی است، چون برج بر جای خواهد ایستاد؛ در صورتی که همقطاران سست او چون ذرات کاه در برابر تندباد پراکنده و نابود شده‌اند. از اینجاست که روانشناسی اخلاقی قوی‌ترین دستیار علم اخلاق است.

جهنمی که بر طبق معتقدات دینی در دنیای دیگر بدان مبتلا می‌شویم، بدتر از جهنمی نیست که در این دنیا با بدآموزی و انداختن نفسانیات خود در راههای غلط و کسب عادات ناپسند خود می‌سازیم. اگر جوانان می‌توانستند تشخیص دهند که چقدر زود به توده متحرکی از عادات مبدل می‌شوند، در آن وقت که چون ترکه تر حالت ارتجاعی و پلاستیکی داشتند بیشتر به ساختمان خود عنایت می‌کردند. خوب یا بد، ماییم که رشته سرنوشت خود را می‌تابیم و این رشته تافته هرگز از هم باز نخواهد شد. ۵. کوچکترین ضربه پاکی یا ناپاکی و گناه که بر این پیکر وارد آید جای آن برای همیشه باقی خواهد ماند. در نمایشنامه جفرسن، ریبوان و نیکل شرابخوار و باده‌گسار، هر بار که در انجام وظیفه خود قصور می‌ورزد

با خود می‌گوید: «این یک بار هیچ؛ این را نمی‌شمرم!» بسیار خوب، او می‌تواند این بار را نشمرد؛ شاید خدای رؤوف هم آن را نشمرد، ولی بی‌کم و زیاد شمرده خواهد شد. مولکولهای سلولهای عصبی و بافتهای او همه این یک بارها را می‌شمرند و ثبت و بایگانی می‌کنند، تا بار دیگر که در معرض وسوسه و اغوا قرار می‌گیرد علیه او به کار رود. در ترجمان تحت‌اللفظی مو به‌مو و دقیق علم از عالم واقع، هر کار که از ما سر زند هرگز محو نخواهد شد. این البته از جهتی خوب است و از جهتی هم بد. همان‌طور که ما در اثر چندین بار شرابخواری متناوب دائم‌الخمر می‌شویم، در اثر ساعتها کار متناوب علمی و عملی نیز در کار خود مسلط و ماهر و باتجربه می‌شویم؛ گرچه در عین حال در عرفیات و اخلاقیات ضعیف می‌گردیم.

هیچ جوان نوحاسته را نگذارید نسبت به نتیجه تعلیم و تربیت خود، در هر راه که هست، ذره‌ای نگرانی و تشویش داشته باشد. اگر این جوان در همه ساعات ایام کار خود با ایمان و اطمینان به کار مشغول باشد، ممکن است به نتیجه نهایی برسد و در هر حرفه که انتخاب کرده با اطمینان کامل به صبح سعادت خود امیدوار باشد؛ یک روز سر از خواب بردارد و خود را از افراد مستعد و شایسته دوران خود بیابد. آرام‌آرام، ضمن کارهای جزئی روزانه که در حرفه خود انجام می‌دهد قدرت اظهار نظر در همه موضوعات مربوط به آن حرفه همچون سرمایه و ثروتی که هرگز بر باد نرود در او به حدکامل خواهد رسید.

باید جوانان از این رمز ترقی آگاه گردند. بی‌اطلاعی از این راز بیش از همه علل احتمالی دیگر در جوانانی که به کارهای سخت مبادرت می‌کنند تولید ترس و ضعف خواهد کرد.

پی‌نویس:

۱. جیمز، ویلیام، عادت، ترجمه سیدمحمد حسینی بهشتی، مجله مکتب تشیع، شماره ۳، خرداد ۱۳۴۰، صص ۱۴۳-۱۲۷.
۲. ژنران و راجل سیاسی انگلیسی، ۱۸۵۲-۱۷۶۹، (مترجم).
۳. توماس هنری هاکسلی، زیست‌شناس انگلیسی، ۱۸۹۵-۱۸۲۵، (مترجم).
۴. این قسمت از کتاب ج. بانسن نقل شده است.
۵. نگویش مکن چرخ نیلوفری را
برون کن ز سر باد خیره‌سری را
تو چون خود کنی اختر خویش را بد
مدار از فلک چشم نیک‌اختری را
ناصرخسرو

منبع: WWW.SHAHEDMAG.COM

آخرین اصل عملی مربوط به عادت‌های اراده که ما می‌توانیم طرح کنیم آن است که با مختصر تمرین روزانه، استعداد جد و جهد را در خود زنده نگه دارید، اگر چه در کارهای بی‌فایده و غیر ضروری باشد. باید جوانان از این رمز ترقی آگاه گردند. بی‌اطلاعی از این راز بیش از همه علل احتمالی دیگر در جوانانی که به کارهای سخت مبادرت می‌کنند تولید ترس و ضعف خواهد کرد.

سنگرهای باسقف انفجار

یک موضوع جدید که به وجود آمد، این بود که سنگرهای فرماندهی ایرانی را بعضی‌ها با موشکهای خاصی میزدند که این موشکها به محض برخورد به سنگر منفجر نمیشد! بلکه لایه خاکی که روی غالب سنگرها بود را عبور میکرد میرفت توی فضای محبوس سنگر و سنگر و افراد آن را به طور کامل منهدم میکرد. چون که فضای سنگرها بسته بود و موشک مذکور در داخل فضای سنگر منفجر میشد خسارات زیادی به جا می‌گذاشت.

بچه‌های جهادی سنگرها را در عمق بیشتر می‌ساختند و علاوه بر خاکی که روی سنگرها می‌ریختند یک لایه غیر قابل نفوذ برای موشکها روی سقف سنگرها می‌ساختند که دیگر موشکها از جداره‌ها سنگر ها نمیتوانستند نفوذ کنند و در فضای بیرون سنگرها منفجر می‌شدند. این نوع سنگرها به سنگرهایی با سقف انفجار معروف شده بود و کار پدافندی فوق العاده متری و کارآمدی بود.

سنگر سازان بی سنگر در هر رشته‌ای که وارد میشدند خوب عمل میکردند. بهترین راه را پیدا می‌کردند و فوراً همه‌جا تکرار می‌شد.

امروز موضوع پدافند غیر عامل موضوع مهمی است که متفکرین اقتصادی، اجتماعی و نظامی ما در حال مطالعه روی این بحث می‌باشند. تمام وزارتخانه‌های ما در حال حاضر روی بحث پدافند غیر عامل در حال مطالعه و تبیین روشها و شیوه‌هایی هستند که در حوضه مسئولیت‌های محوله هر وزارتخانه خسارات ناشی از یک حمله طراحی شده را به حداقل کاهش دهند.

در زمان جنگ سنگر ساختن برای نیروهای رزمی یکی از وظایف ثابت بچه‌های جهاد بود. در خاطرات یکی از برادران جهادی خواندم که چند نفر نیروی غیر متخصص قبل از رسیدن بچه‌های جهاد سنگری را داشتند بنا می‌کردند که درش به سمت دشمن بود، اگر اجازه ساخت می‌دادیم خمپاره می‌آمد مستقیم میرفت توی سنگر. سمت و سوی ساخت سنگر، مصالح به کار گرفته شده در ساخت سنگر، اینکه چقدر فرصت برای ساخت وجود دارد، چقدر قرار است در این محل بمانیم، موضوع سرعت ساخت، انطباق روشها ساخت و مصالح با شرایط و نیازی که برای آن سنگر خاص در هر منطقه تعریف می‌شد، تخصصی بود که بچه‌های جهادی (پ.م.ج.ج) به خوبی از عهده آن بر می‌آمدند.



تفریح از دیدگاه اسلام

مقاله‌ای به قلم شهید بهشتی در خصوص تفریح



نقطه مقابل آن مطلبی است که آن آقا از آن فهمیده بود. مطلب این است که پیغمبر دستور صادر کرده بود که تمام نیروهای قابل، برای شرکت در مبارزه علیه کفار و مشرکانی که به سرزمین اسلامی هجوم آورده بودند بسیج شوند. برای یک بسیج عمومی فرمان صادر کرده بودند. عده‌ای با بهانه‌های مختلف از شرکت در این لشکرکشی خودداری و از فرمان بسیج خدا و پیغمبر تخلف کرده بودند. حالا این آیات قرآن می‌گوید، لعنت خدا باد بر این کسانی که دیدند پیغمبر با انبوه مسلمان‌ها به میدان نبرد می‌رود، اما باز هم زندگی دوستی، آن‌ها را وادار کرد از فرمان خدا

و رسول تخلف کنند و بمانند. به دنبال آن و به عنوان نفرین کسی می‌گوید: از این پس این گروه نافرمان کم بخندد و زیاد بگریزد. این را به عنوان یک کیفر و نفرین بر این گروه نافرمان می‌گوید. حالا شما از این آیه چه می‌فهمید؟ می‌فهمید که از دید اسلام زندگی با نشاط، نعمت و رحمت خداست و زندگی توأم با گریه و زاری و ناله، خلاف رحمت و نعمت خداست. این نوع استنباط‌های نابجا و تلقین آن به مسلمانان، به اضافه عوامل دیگر، سبب شد که توجه جامعه ما به مسئله تفریح کم باشد.

اصولاً تفریح یکی از نیازهای زندگی انسان است. یعنی نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه اصولاً به عنوان یکی از نیازهای اصلی مطرح است. تفریح برای انسان مانند غذا خوردن یک نیاز طبیعی است

نه یک نیاز ارادی. یعنی انسان خودبه‌خود به تفریح احساس نیاز می‌کند. خدای آفریدگار طبیعت و نظام طبیعت خواسته است آدمی با احساس احتیاج به تفریح همواره نشاط زنده ماندن و زندگی کردن داشته باشد. بنابراین، می‌خواهم این مسئله را جدی‌تر تلقی کنید. اصولاً تفریح یکی از نیازهای طبیعی بشر است و یک نظام اجتماعی و مکتب زندگی باید برای ارضای این خواسته طبیعی فکری کند. چه کسی می‌تواند درباره اسلام بگوید اسلام دین غم و

به استناد برخی از روایت‌های صوفیانه که نمی‌توانند هیچ ارتباط اصیلی با قرآن کریم و با پیشوایان اسلام داشته باشند، قرن‌های متمادی تفریح کردن، نشاط در زندگی داشتن و امثال این‌ها، برای یک مسلمان ارزنده نقطه ضعف تلقی می‌شد. راه دوری نرویم. یاد می‌آید که حدود چهارده - پانزده ساله و در آغاز دوران بلوغ بودم و تحصیلات علوم اسلامی را هم تازه شروع کرده بودم. به حکم آن نشاط و شادابی که انسان در آن سن دارد، پیش یا پس از مباحثه و درس، با دوستان می‌گفتم و می‌خندیدیم. یکی از رفقا با

من هم‌مباحثه بود، ولی چند سال از من بزرگ‌تر بود و شاید در آن موقع بیست و یکی دو سال داشت. او بزرگ‌شده در جلسات مذهبی معمولی، مثل هیئت‌ها بود. وقتی ما می‌خندیدیم ایشان می‌گفت فلانی، حالا که آغاز دوران تحصیل علوم اسلامی است بهتر است که خودمان را عادت دهیم که نخندیم، یا کمتر بخندیم. گفتم، چرا؟ می‌گفت آیه قرآن است: «فلیضحکوا قليلاً و لیبکوا کثیراً»؛ کم بخندند و زیاد بگریزند. آغاز دوران تحصیل بود و آن موقع اصولاً آدم به این فکر نمی‌افتد که هنوز مطالعات و معلوماتش خیلی محدود است. آن موقع فکر نکردم

که بروم مطالعه کنم، ریشه کار را در بیاورم تا ببینم این آقا چه منظوری دارد. چند سالی گذشت تا در این باره به مطالعه بپردازم. این مسئله اولین مطلبی بود که

من به صورت مستقل براساس قرآن و کتاب و سنت مطالعه‌ای تحقیقی را درباره‌اش شروع کرده بودم. به مناسبت آن مطلب بنا گذاشتم یک بار قرآن را از اول تا آخر با دقت و به صورت کتابی که می‌خواهم برای من کتابی علمی باشد، بررسی کنم. تا آن موقع قرآن و نیز این آیه را مکرر خوانده بودم، اما مثل خواندن‌های معمولی، بی‌توجه از آن گذشته بودم. این بار به این آیه که رسیدم، دیدم عجب! این آیه در قرآن هست، صحیح است، اما مطلب درست در

اصولاً تفریح یکی از نیازهای زندگی انسان است. یعنی نه فقط به عنوان تجدید قوا، بلکه اصولاً به عنوان یکی از نیازهای اصلی مطرح است. تفریح برای انسان مانند غذا خوردن یک نیاز طبیعی است نه یک نیاز ارادی. یعنی انسان خودبه‌خود به تفریح احساس نیاز می‌کند.

شما در دنیای جاوید چنین زندگانی‌ای است، می‌تواند مذهبی ضد نشاط باشد؟ من واقعا هنوز نتوانسته‌ام به صورت علمی این را به دست بیاورم که با چه جرئتی قرن‌ها به مسلمان‌ها بی‌نشاطی در زندگی را تلقین می‌کردند؟

مسلمان‌ها باید همواره برای زندگی بهتر — ولی نه برای یک طبقه و یک قشر، بلکه برای عموم — کوشش کنند. این واقعیتی است که در جامعه‌ای که تقسیم ثروت غیرعادلانه است، در جامعه‌ای که گروهی از مردم از همه چیز برخوردارند و اکثریتی از بخور و نمیری هم برخوردار نیستند، تفریح سالم نیز مفهومی ندارد. من حتی مکرر به رفقای «بنیاد رفاه» و دیگران اعلام کردم، سعی کنید برنامه‌هایتان تشریفاتی نباشد. در حدود متعارف زندگی باشد.

برنامه‌ای باشد قابل تقدیر. من در مورد اقدام «بنیاد رفاه» برای برنامه‌های تفریح سالم عرض می‌کنم، برنامه شما در حقیقت یک هدف روشن‌تر دارد، و آن هدف روشن‌تر را در همین چند دقیقه‌ای که از وقت باقی است بیان می‌کنم. امروز ما در دنیایی زندگی می‌کنیم که هیچ انسانی نمی‌تواند به آسانی تحمل کند که تنهاست. احساس تنهایی مشکل است. اگر این آقا پسر حس کرد که تنهاست، همبازی ندارد، رفیق ندارد، خودبه‌خود و به حکم طبیعت به دنبال رفیق و همبازی می‌رود. اگر توانستی برای او همبازی و رفیقی، لااقل متناسب با این مقدار از تعلیم و تربیت اسلامی که ما در یک محیط غیر اسلامی می‌توانیم تأمین کنیم، جور کنی، با او همبازی می‌شود؛ و الا می‌رود سراغ یک دوست فاسد. امیدوارم با همت

شما زمینه‌ای فراهم آید که زمین‌ها، باغ‌ها و باشگاه‌هایی در اختیار شما باشد تا به کمک آن‌ها، قشر خودتان را گسترش دهید و با سهل‌ترین شرایط، در اختیار قشرهای محروم جامعه قرار دهید. دوستان علاقه‌مند ما بدانند که خرج کردن در این راه، انفاق فی سبیل الله و خرج کردن در راه خداست. ایجاد مدرسه، ایجاد وسیله سرگرمی، ایجاد باشگاه، ایجاد گردشگاه، تنظیم برنامه‌های مسافرتی دسته‌جمعی و امثال این‌ها، به صورت کوشش مشترک یک قشر هم‌سلیقه و هم‌فکر در راه تأمین آن قسمت از نیازمندی‌های زندگی که یک فرد و دو فرد از عهده تأمین آن برنمی‌آیند، از واجبات قشر شماس است. باید برای پسران و دختران برنامه‌هایی تهیه کرد تا حس نکنند به حکم ایمان و به حکم پایبندی به دین از مواهب زندگی کلاً محروم می‌مانند. احساس این محرومیت خطری بزرگ برای ایده و هدفی است که شما به آن احترام می‌گذارید. امیدوارم با این کوتاه‌سخن توانسته باشم نظر اسلام را در این زمینه تا حدودی روشن کرده باشم.

این واقعیتی است که در جامعه‌ای که تقسیم ثروت غیرعادلانه است، در جامعه‌ای که گروهی از مردم از همه چیز برخوردارند و اکثریتی از بخور و نمیری هم برخوردار نیستند، تفریح سالم نیز مفهومی ندارد. من حتی مکرر به رفقای «بنیاد رفاه» و دیگران اعلام کردم، سعی کنید برنامه‌هایتان تشریفاتی نباشد. در حدود متعارف زندگی باشد.

اندوه و گریه و زاری و بی‌نشاطی است در حالی که قرآن با صراحت می‌گوید: «قل من حرم زینه الله التي اخرج لعباده والطيبات من الرزق، قل هي للذين آمنوا في الحياه الدنيا خالصه يوم القيامه». اصلا درست به عکس است. اسلام دین نشاط است. این آیه قرآن از محکمت قرآن و صریح است. این آیه می‌گوید: ای پیغمبر در برابر کسانی که بسیاری از مواهب زندگی را تحریم می‌کردند اعلام کن و بگو چه کسی زینت و آرایش و زیبایی‌هایی را که خداوند از درون طبیعت برای بندگانش بیرون کشیده حرام کرده است؟ چه کسی روزی‌های پاک، مواهب پاک، مواهبی را که انسان از آن‌ها لذت مشروع و صحیح می‌برد، حرام کرده است؟ بگو این مواهب،

این روزی‌های پاک، این زیبایی‌ها، برای مردم با ایمان در همین زندگی دنیاست. ملاحظه کنید، اگر انسان بخواهد به عنوان جهان‌بینی اسلامی بگوید اسلام در زمینه لذت و نشاط در زندگی چه نظری دارد و این آیه قرآن کریم را جلوی خود بگذارد چه می‌فهمد؟ می‌فهمد اسلام اصولا به بهره‌مند شدن از زیبایی‌ها، مواهب زندگی و عوامل نشاط‌آور اهمیت می‌دهد. طبیعی است که در این دنیا خداوند نشاط و شادی را با غم همراه قرار داده است. نشاط و شادی خالص در دسترس هیچ کس نیست، ولی در حدودی که قوانین و حق و عدالت اجازه می‌دهد، مردم با ایمان می‌توانند از آن بهره‌مند شوند و متعلق به آن‌هاست. «قل هي للذين آمنوا في الحياه الدنيا»؛ مال مردم با ایمان است. آیا با چنین مطلبی می‌توان گفت که اسلام

نشاط را بی‌ارزش تلقی کرده است؟ بیش از چند صد آیه از قرآن کریم، مردم مسلمان را به ایمان و راستی و درستکاری دعوت می‌کند و به آن‌ها می‌گوید اگر در این دنیا روی حساب زندگی کردید، پاک، با عدالت، با پاکی و درستی، با ایمان صحیح، آن وقت به شما بهشت می‌دهیم. مگر صدها آیه قرآن مردم با ایمان را به بهشت وعده و نوید نمی‌دهد؟ خوب، بهشت چیست؟ تابلویی که قرآن از بهشت ترسیم می‌کند، یک زندگی سراسر نشاط و بهره‌مند از تمام زیبایی‌های خالص و پاک را نشان می‌دهد. باغ‌های زیبای باصفا، پر از انواع میوه‌ها و گل‌ها، بر بستر آن باغ جوی‌های روان، آب‌های زلال روان، بهترین آب‌های آشامیدنی، بهترین همسران، بهترین پذیرایی‌کنندگان، بهترین تخت‌های آرمیدن و آسایش کردن، زیباترین بسترها از نرم‌ترین و چشم‌گیرترین پارچه‌ها — «فیها ما تشتهيه الانفس و تلذ الاعین». آنچه چشم‌ها از دیدنش لذت می‌برد (با کلمه لذت)، و آنچه دل می‌خواهد (با کلمه اشتها و شهوت). آیا مذهبی که به مردم با ایمان و درستکار می‌گوید سرانجام پاداش

خار در چشم، استخوان در گلو نابسامانی در وضعیت قوانین ایثارگری

دکتر مصطفی شکری



معاف انگاشته است.

از جمله این مواضع، قوانین بودجه سالانه است. مقایسه تطبیقی بین بودجه‌های سنواتی چند سال اخیر حاکی از آن است که قانونگذار، بستر قانون بودجه را از موضوعات مبتلا به ایثارگری تدریجاً خارج نموده است، که البته این به معنای پیش‌بینی آن‌ها در سایر قوانین نیست.

نمونه مبتلا به آن در مجموعه شهرداری‌ها، موضوع معافیت چندین قشر از ایثارگران از پرداخت عوارض صدور پروانه ساختمان می‌باشد.

بر اساس ذیل بند الف تبصره ۶ قانون بودجه سال ۸۵، جانبازان، آزادگان و خانواده‌های شهدا، از پرداخت این عوارض تا ۱۲۰ متر مربع زیربنای مفید معاف بوده‌اند. این معافیت در قانون بودجه سال ۸۶ به ۱۰۰ متر مربع تقلیل یافت و در قانون بوجه سال ۸۷ بطور کلی حذف گردید، و هیچ بستر قانونی دیگری به عنوان جایگزین این قانون اندیشیده نشد.

نمونه دیگر فراغت از اشتغال به مسائل و موضوعات ایثارگران، بحث بازنشستگی جانبازان است. همان‌گونه که می‌دانیم به استناد قانون نحوه بازنشستگی جانبازان انقلاب اسلامی و شاغلین مشاغل سخت و زیان‌آور، مصوب ۶۷/۹/۱ مجلس شورای اسلامی، جانبازان با داشتن ۲۰ سال سابقه خدمت، ۵۰ سال سن و با افزودن سنوات خدمت ارفاقی که مدت آن به شرح ذیل مشخص گردیده است، می‌توانند تقاضای بازنشستگی نمایند:

جانبازان با درجات ۲۰ درصد تا ۴۰ درصد از کار افتادگی، حداقل ۳ و حداکثر ۶ سال خدمت ارفاقی.

جانبازان با درجات ۴۰ درصد تا آستانه از کار افتادگی کامل، حداقل ۶ و حداکثر ۱۰ سال خدمت ارفاقی.

صرف‌نظر از چالش‌هایی وارد شده بر نحوه اعمال اصلاحات سال ۸۳ بر قانون مذکور، صرفاً به این نکته بسنده می‌نماییم که بر اساس آئین‌نامه اجرایی قانون مذکور، که در تاریخ ۸۵/۵/۱۵ به تصویب

در روزهایی که قانون برنامه چهارم توسعه در دست تدوین و تصویب بود، و در زمانی که از رویکردی جدید برای تجمیع مقررات ناظر بر ایثارگران صحبت می‌شد، کمتر کسی گمان می‌برد که با گذشت قریب چهار سال از تولد این تفکر جدید، در قالب ماده ۹۹ قانون برنامه توسعه، با مولودی نارس و غلیل مواجه باشیم که حتی قادر به کوچک‌ترین تحرکی در فضای تعریف‌شده خود نمی‌باشد.

امروز در حالی سخن از تدوین برنامه پنجم توسعه در میان است که عملکرد برنامه چهارم در حوزه ایثارگران، با نقد و چالش جدی روبه‌رو است و اگر نبود غبار مظلومیت همیشگی ایثارگران خار در چشم و استخوان در گلو، شاید اثرات این نمره بد در کارنامه متولیان، نمود بیشتری می‌یافت.

در بررسی چرایی این امر، توجیهات بسیاری می‌توان یافت. تأخیر در ارائه لایحه از سوی دولت، اعمال تغییرات متعدد در اجرای تصویب لایحه در هیئت دولت و مجلس، اعتراضات و ایرادات وارده بر لایحه، رد لایحه از سوی شورای نگهبان، ارجاع لایحه به مجمع تشخیص مصلحت نظام و...

اما واقعیت ملموس و مشهود این است که عبور مقتن از موضوعات مربوط به ایثارگران از روی پل ماده ۹۹ قانون برنامه توسعه چهارم، به بار نشستن نهال قانون خدمت‌رسانی به ایثارگران (که حسب تکلیف قانونی می‌بایستی ظرف شش ماه از تاریخ تصویب قانون برنامه چهارم به تصویب می‌رسید)، و حوزه حقوق ایثارگران در موضوعات مختلف با خلأ قانونی مواجه گردید، که در بارزترین آن مجلس محترم ناچار از الحاق یک تبصره به ماده ۹۹ قانون برنامه چهارم و تجویز استدامه اعتبار بند (ج) ماده ۳۷ قانون برنامه سوم، با موضوع تأمین ۱۰۰ درصد هزینه بیمه همگانی و مکمل جانبازان و درمان خاص آن‌ها، توسط دولت گردید. یک بررسی اجمالی بر روند تقنینی کشور در طول برنامه چهارم این واقعیت را آشکار می‌کند که با تجویز ابتر قانون برنامه چهارم در ماده ۹۹، مقتن خود را از توجه به شئون و موضوعات ایثارگران در سایر مواضع قانونگذاری،

سیاستگذاری و هدایت جریان قانونگذاری شئون ایثارگران، شاهد رشد و بالندگی فرهنگ متعالی ایثار در کنار شکوفایی هر چه بیشتر شجره طیبه ایثارگران در جامعه اسلامی مان باشیم.

نابسامانی وضعیت قوانین ایثارگری عارضه‌ای است جدی که ادامه آن موجب کندی و یا توقف اجرای قانون‌ها و در طول زمان باعث متروک شدن قانون‌های مصوب و مقررات موجود خواهد شد. اما امید داریم با تجمیع مقررات خاص ایثارگری در آینده‌ای نه چندان دور و با توجه به تجربیات ولو تلخ گذشته و با اهتمام واقعی به تکریم فرهنگ ایثار، جهاد و شهادت، شاهد رشد و بالندگی فرهنگ متعالی ایثار در جامعه اسلامی مان باشیم.

پی‌نوشت:

۱- دولت موظف است، ظرف مدت شش ماه از تصویب این قانون، نسبت به تدوین و اجرای سند راهبردی خدمات‌رسانی به ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان، آزادگان و خانواده آن‌ها)، با رویکرد توانمندسازی و بهبود وضعیت اشتغال، مسکن ارزان قیمت، ارتقاء سطح اجتماعی، درمانی، معیشتی و بهبود وضعیت آموزشی و فرهنگی، و حفظ و تثبیت موقعیت شغلی آن‌ها اقدام نموده و ساز و کار نظارت بر حسن اجرای سند را پیش‌بینی نماید. منابع مالی سند از محل بودجه عمومی دولت و منابع داخلی نهادهای تأمین خواهد شد. در تمامی برنامه‌های اشتغال‌زایی اعم از جذب و استخدام و اعطاء امتیازات و تسهیلات، ایثارگران در اولویت هستند و دولت موظف است حمایت‌های لازم در حفظ و تثبیت موقعیت شغلی آن‌ها را اعمال نماید.

۲- از ابتدای سال ۸۴ تا زمان تصویب سند راهبردی خدمات‌رسانی به ایثارگران (خانواده معظم شهدا، جانبازان، آزادگان، و خانواده آن‌ها) دولت موظف است کماکان بند (ج) ماده ۳۷ قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران را اجرا نماید.

۳- خانواده‌های معظم شهدا، آزادگان، جانبازان ۲۵ درصد به بالا و معلولان، از رعایت الگوی مصرف مسکن، معاف و برای یک بار از پرداخت کلیه عوارض شهرداری و هزینه‌های صدور پروانه ساخت (شامل: زیربنا، تراکم و...) تا ۱۲۰ متر مربع بنای مفید معاف می‌باشند. در مجتمع‌های مسکونی، سهم هر فرد تا سقف مذکور ملاک اقدام است. معافیت مذکور شامل مشاعات مربوط تا سرانه مذکور نیز می‌باشد.

۴- وزارت مسکن و شهرسازی موظف است نسبت به تأمین مسکن جانبازان ۲۰ درصد و بالاتر، آزادگان و خانواده معظم شهدا (پدر، مادر، فرزند و همسر شهید) و رزمندگان با بیش از یک سال حضور در جبهه، با تحویل زمین بر مبنای قیمت منطقه‌ای با هماهنگی بنیاد شهید و امور ایثارگران و با استفاده از تسهیلات این بند اقدام نماید. افراد مشمول این بند از پرداخت هزینه‌های آماده‌سازی زمین معاف بوده و برای یک بار از پرداخت کلیه عوارض شهرداری و هزینه‌های صدور پروانه ساخت تا ۱۰۰ متر مربع بنای مفید معاف هستند. در مجتمع‌های مسکونی، سهم هر فرد تا سقف مذکور ملاک اقدام است. معافیت مزبور شامل مشاعات مربوط تا سرانه یاد شده نیز می‌باشد.

۵- ماده واحده به دولت اجازه می‌دهد از تاریخ تصویب این قانون ظرف مدت سه سال کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی را که حداقل ۲۵ سال سابقه خدمات قابل قبول داشته باشند، با حداکثر ۵ سال سنوات ارفاقی بدون شرط سنی، در صورت تقاضای کارکنان و موافقت دستگاه متبوع خود بازنشسته نماید. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس ۳۰ سال پرداخت خواهد شد. حداقل سنوات قابل قبول برای استفاده بانوان شاغل از این حکم ۲۰ سال و حداکثر سنوات ارفاقی آنان ۵ سال خواهد بود.

منبع: مجله یاد ایثار

هیئت محترم وزیران رسیده است، کلیه جانبازان و آزادگان مشمول آئین‌نامه، در صورتی که مدت خدمت مبنای بازنشستگی آن‌ها با احتساب مجموع سنوات سابقه خدمت (حداقل ۲۰ سال) و سنوات ارفاقی (حداکثر ۱۰ سال)، ۳۰ سال تمام باشد، از احراز شرط حداقل سن بازنشستگی (۵۰ سال) معاف خواهند بود. در غیر این صورت، دارا بودن حداقل شرط سنی برای آن‌ها (مردان حداقل ۵۰ سال و زنان حداقل ۴۵ سال) الزامی است.

بدیهی است که با توجه به ظرفیت‌های پیش‌بینی شده در قانون‌های فوق، تعداد اندکی از جانبازان، امکان و مجال استفاده از بازنشستگی زود هنگام و با استفاده از سنوات ارفاقی مقرر در قانون را می‌یافتند. چرا که در صورت عدم دارا بودن شرط سنی ۵۰ سال، بایستی با دارا بودن حداقل ۲۰ سال سابقه، از سنوات ارفاقی تا ده سال بهره‌مند باشند تا امکان استفاده از بازنشستگی در قالب این قانون را داشته باشند.

اما ماجرا از آنجا جالب‌تر شد که قانون بازنشستگی پیش از موعد مصوب ۵ شهریور ۸۶، شرایط دیگری را برای کارکنان دولت و بخش عمومی کشور پیش‌بینی نمود.

بر اساس این قانون به دولت اجازه داده شده که ظرف مدت سه سال، کارکنان رسمی، پیمانی و قراردادی وزارتخانه‌ها و مؤسسه‌های دولتی که حداقل ۲۵ سال سابقه خدمات قابل قبول داشته باشند، با حداکثر ۵ سال سنوات ارفاقی، را بدون شرط سنی بازنشسته نماید. پاداش پایان خدمت این قبیل کارکنان بر اساس ۳۰ سال محاسبه و حداقل سنوات قابل قبول برای استفاده بانوان شاغل ۲۰ سال تعیین گردید.

نتیجه حاصل اینکه کارکنان عادی دولت و مؤسسه‌های عمومی می‌توانند با داشتن حد نصاب سابقه (برای آقایان ۲۵ سال و برای بانوان ۲۰ سال) و بدون شرط سنی، از ۵ سال سنوات ارفاقی برخوردار و بازنشسته شوند، اما جانبازان با داشتن ۲۰ سال، ۲۵ سال و حتی سابقه بیشتر از ۲۵ سال، در صورت عدم احراز شرط سنی ۵۰ سال نتوانند در قالب قانون بازنشستگی جانبازان بازنشسته شوند.

این قانون بدون ورود به موضوع نحوه بازنشستگی جانبازان و تأثیرات احتمالی آن بر قانون نحوه بازنشستگی جانبازان، شرط سنی مقرر در قانون اصلاح مقررات بازنشستگی و وظیفه قانون استخدام کشوری را، در طول اجرای قانون منتفی نمود.

به عنوان مثال جانبازی با ۱۵ درصد از کار افتادگی، سن ۴۸ سال و ۲۵ سال سابقه صرفاً با استفاده از قانون عام بازنشستگی پیش از موعد، امکان بازنشستگی را داشته و قانون بازنشستگی جانبازان در این شرایط قابل اعمال نیست.

به هر حال موارد ذکرشده به عنوان شاهدی برای مهوریت حقوقی ایثارگران مورد اشاره قرار گرفته‌اند.

نابسامانی وضعیت قانون‌های مصوب و مقررات موجود، به علاوه عدم تمرکز و نبود خاستگاه قانونی و حقوقی، باعث شده تا امروز مقررات ناظر بر تسهیلات صدور پروانه ایثارگران را در قانون بودجه و قانون‌های ناظر بر تسهیلات استخدامی آن‌ها را در قانون تنظیم‌بخشی، از مقررات مالی دولت جستجو کنیم. اما امید داریم با تجمیع مقررات خاص ایثارگری در آینده‌ای نه چندان دور و با توجه مؤثر بر ایثارگران به عنوان مصداق‌های عینی این فرهنگ و با سامان بخشی به حوزه حقوق ایثارگران و تعیین جایگاه مناسب برای

بیست دومین دیدار کانون سنگر سازان بی سنگر مرکز



سفید و هنوز صندلی های زیادی خالی بود ولی موسیقی بسیار مناسب و آرامی که همراه عکسهای بسیار زیبا از رزمندگان پخش می شد جوی را درست کرد که برای مهمانها دلپذیر بود. مراسم با تلاوت قرآن کریم توسط برادر عمران آغاز شد. آقای عظیمی مدیر عامل کانون شده بود مجری، برای اعلام برنامه روی سن نمیرفت و پایین در کنار میهمانان ایستاده بود و برنامه هایی را که برای میهمانان بسیار عزیز کانون تدارک دیده بود اعلام می کرد. اولین برنامه رسمی کانون در دیدار ۲۲ نمایش فیلم «ازمن بنویس» اثر کارگردان توانا و باسابقه حاج حسن ساجدی بود. پخش این فیلم را خیلی ها تقاضا کرده بودند. اونایی که فیلم را دیدن می دونند که فیلم علی رغم موضوع خیلی ساده ای که دارد دارای استعاره ها و پیامهای زیادی برای مخاطب خودش است. و جالب اینجا بود که آقای ساجدی که به همراه خانواده اش در مراسم حضور داشت در انتهای فیلم از حضار ۲ تا سوال در مورد فیلم پرسید که برداشت شما از چی بود، و همه را به تفکر در موضوع حساستر کرد. بعد از فیلم از من بنویس همه رفتند نماز جماعت به امامت آیت الله عالمی آقای عظیمی بعد از نماز به نمازگذارها گفت سریع برگردن به سالن مبادا قسمتی از کلیبی که می خواهیم پخش کنیم از دستشون بره. کلیپ بعد از نماز مغرب عشا یک کار کاملاً حرفه ای و یک تولید خیلی قوی در موضوع نقش سنگر سازان در دفاع مقدس داشت نشون می داد که سنگر سازان در خط مقدم بدون تفنگ و سلاح دارن کار

مراسم بیست و دومین دیدار کانون سنگر سازان بی سنگر در روز یکشنبه، چهارم خرداد ماه مصادف با سوم شعبان سال ۱۳۸۸ برگزار شد. ۲۲مین دیدار کانون در سالن شهدای هفت تیر وزارت جهاد کشاورزی با حضور جمع کثیر از اعضای کانون ساکن تهران که به همراه خانواده های محترمشان در این مراسم شرکت کرده بودند تشکیل شد. یک تفاوت عمده که در این دیدار به چشم می خورد حضور معاونین وزارت جهاد کشاورزی به همراه خانواده، ایشان در این دیدار بود. البته غایبینی هم داشتیم. غالب دیدارها مناسبت هفتگی دارد اما دیدار ۲۲ را از پنجشنبه آخر هر ماه زمانش را به یکشنبه اول ماه تغییر دادیم تا دقیقاً مصادف با تولد امام حسین باشد.

مناسبت روز سوم شعبان برای افرادی که در این دیدار شرکت کردند تنها ولادت باسعادت حضرت امام حسین علیه السلام نبود. بلکه روز به یاد آوری خاطره ای بود که در سال ۱۳۶۳ غالب شرکت کنندگان در مراسم در آن واقعه حضور داشتند. روی کارت دعوت که از طرف کانون برای میهمانان محترم ارسال کرده بودیم به وضوح رنگ و بوی این خاطره دیده می شد و شاید دلیل استقبال غافل گیر کننده دوستان هم همان عکسی بود که از روز اتصال جاده سید الشهداء در سال ۱۳۶۳ پشت کارت چاپ شده بود. ساعت ۱۹:۳۰ شروع مراسم بود اما خیلی از مهمانها زودتر آمده بودند و هنوز همه مسئولین برگزاری نیامده بودند محیط خیلی خالی و سرد شده بود بخصوص که رنگ صندلی های سالن

می‌برد از حرکات این دو بزرگوار ولعی که برای بیان حق مطلب داشتن مشهود بود ولی به گفته خودشان همیشه همه چیز را در قالب الفاظ گفت. حاج ناصر توی صحبتاش از ایثارگران گفت از هم‌زمانی که در اون جاده شهید یا جانباز شدند گفت، از حملات دشمن گفت و از سختی کار گفت.



می‌کنند و تا زمانی که بچه‌های جهاد جان فشانی نمی‌کردند نیروی رزمی آسایش و آرامش و پناه را برای جنگیدن نداشت. این فیلم را بچه‌های خوزستان برای همایش بزرگداشت شهدای خوزستان تهیه کردند که ما در دیدار ۲۲ به صمم و نظر میهمانان محترم خودمون رسوندیم. مجری برنامه آقای مهندس عظیمی

بعد از صحبت‌های حاج ناصر ابراهیمی فیلم مستندی از مراحل ساخت جاده پخش شد. فیلم با موسیقی حماسی و زیر نوشته بود و آقای عظیمی هم یک سری توضیحات را هنگام پخش فیلم می‌دادند. یک اشتباهی در ساخت فیلم شده بود که زمانی که مصاحبه گر آقای داعی با آقای غریب بلوک داشت صحبت می‌کرد به اشتباه زیر نویس فیلم نوشته شده بود «شهید حاج عقیل غریب بلوک» که ایشان شهید نیستند بلکه جانباز جنگ جهاد هستند، نمی‌خوام بگم متأسفیم یا عذر خواهی کنم البته اشتباه را می‌پذیریم ولی در مورد آقای غریب بلوک که اسم شهید زیرش اومده بود زمانی که داشتیم شام می‌خوردم خیلی چیزها فهمیدم چون همه داشتن در مورد اون صحبت می‌کردن که الان کجاست چه کار میکنه حالش چه طوره؟ یکی میگفت من هفته پیش باش نهار خوردم یکی دیگه سرشو تگون میداد و افسوس می‌خورد به خودم گفتم کاش این اشتباه را جاهای دیگه هم تکرار کنم شاید این رفقای دوران جوانی بیشتر از احوال هم سراغ بگیرن. احساس کردم جای این احوال پرسشها و سوال از اوضاع دوستان گرفتارها خالی است.

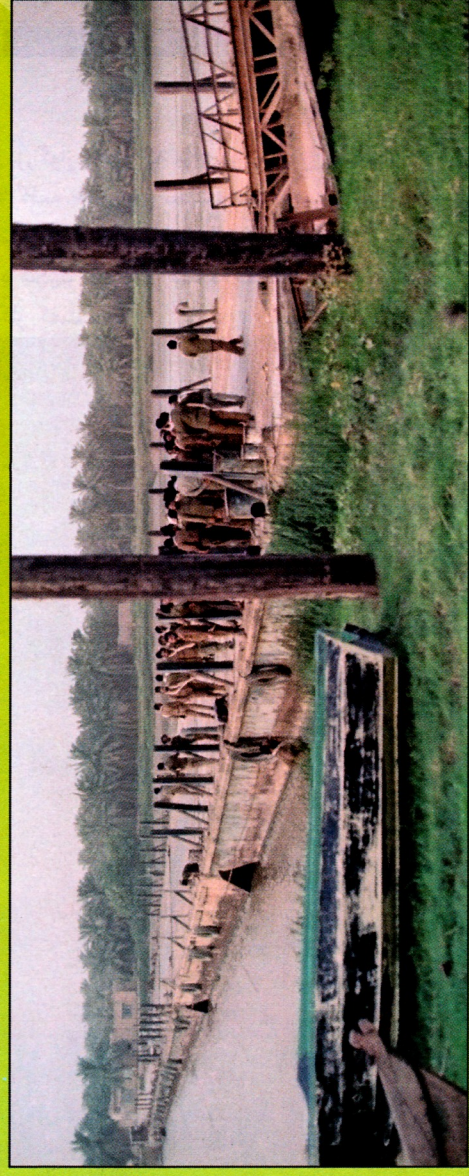
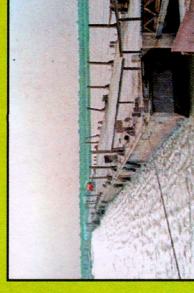
بعد از فیلم آقای عطری طبق روال گذشته جوایزی به شرکت کنندگان در مسابقه خبرنامه کانون سنگر سازان داد. و همگی به سالن غذا خوری رفتیم و به صرف شام پذیرایی شدیم همچنین از مسئولین وزارتخانه (آقایان خلقانی، رضایا و امامی) که تا ساعت ۱۱ شب از میهمانان کانون پذیرایی کردند سپاسگزاریم. MAHAF

از آیت الله عالمی دعوت کردند تا در موضوع مناسبت عیدی که در آن قرار داریم بیاناتی را برای میهمانان داشته باشند. آیت الله عالمی نیز بسیار بی تکلف و با یک حس خارج از تشریفات و آداب و رسوم رسمی متداول مجالس امروزی خیلی گرم و صمیمی صحبت کردند و مطالبی را که برای ارائه به میهمانان تدارک دیده بودند فرمودند و جمع را با اخلاق و سیره امام حسین در مواجهه با مشکلات به فیض رساندند. بعد از سخنان نماینده ولی فقیه در جهاد کشاورزی دستور جلسه به قول امروزی ها رفت سراغ بزرگ راه سید الشهدا آقای عظیمی از حاج مرتضی علی آبادی که از مسئولین ومطالعین درگیر در ساخت این بزرگ راه بود دعوت کردند تا بر روی سن بیان. آقای علی آبادی نیز شروع کرد به خاطره گفتن و مسائل و مشکلات آن زمان را تعریف کردن به مسائل زیست محیطی منطقه اشاره داشت و وظایف تیم فانوس را گفت از واحد کمپرسی گفت و ۳ شیفته کار کردن و همینطور حمله هلی کوپترها (چرخ بال) فوق العاده با نشاط تعریف می‌کرد. آقای علی آبادیان از تمام شدن جاده در ۷۲ روز گفت. گفت که طول جاده ۱۴ کیلومتر، و بالاخره جاده در ظهر سوم نیمه شعبان سال ۶۳ همزمان با تولد امام حسین (ع) به هم پیوست. که در این موضوعها هیچ گونه هماهنگی و برنامه ریزی نشده بود که این خود جزء جنبه های معنوی ساخت این جاده است.

بعد از ایشان حاج ناصر ابراهیمی مرد خوش سیما و متبسم رفت روی سن اونم داشت با خاطره گفتن مثل آقای علی آبادی لذت

پل دوبه‌ای

دوبه قطعات فلزی شنآوری هستند که در بندر گاه‌های جنوب برای تخلیه بار کشتی‌ها استفاده می‌شود. این دوبه‌ها در جنگ آسیب دیدند و به خاطر ترکش خوردن غرق می‌شدند و داخلش را گل و لای می‌گرفت. بچه‌های جهادی با همتی مثال زدنی این دوبه‌ها را با لنج از حوالی خر مشهر و آبادان در مسیر طولانی پدک کشتی کردند. لجن‌های داخل آن‌ها را خالی کردند، سوراخ‌های کوچک و بزرگ دوبه‌ها را با جوشکاری گرفتند و بعد آن‌ها را به هم متصل کردند. پل‌های دوبه‌ای ظرفیت زیادی داشتند و ماشین آلات سنگین هم از روی آن‌ها عبور می‌کرد. شهید هزار دستان، طراح و مجری این پل، ظرف ۳ سال تازمان شهادتش ۱۲ پل روی کارون و بهمنشیر ساخت.



جهاد ما
نماد سازندگی در مهندسی جنگ

